

جراحی اقتصادی و ویژگیهای اقتصاد ایران

حمید تقوایی، صفحه ۱۶



نقش تشکلات و نهادهای مبارزاتی در کسرتن خیزش جاری

پیش بوسی اغتصابات حمایتی از مردم آبادان

دو پیام از حمید تقوایی، صفحه ۲

نامه سرکشاده معلمان و کارگران ایران به شرکت کنندگان در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار، ژنو، ۲۷ ماه مه الی ۱۱ ژوئن ۲۰۲۲

صفحه ۱۱

شهادت انشتر: طومار اعتراضی معلمان در ایران خطاب به سازمان جهانی کار

وسیعا از این اقدام حمایت و پشتیبانی کنیم، صفحه ۱۲

آخر خط یک مانع تسکینات سیاه

یاشار سهندی، صفحه ۳

صدای سیمای رسوا بر فشار اعتراضات و افشاکری عمومی به غلط کردن افتاد

مهران محبی، صفحه ۴

کارزای بین المللی علیه پرونده سازی علیه معلمان فعالین کارگری و دو فعال سندیکایی فرانسوی و دستگیرها

صفحات ۱۱-۱۶

تجمعات باز نشنگان تاین اجتماعی، پرستاران، و معلمان در تهران و یک خبر دیگر

صفحه ۱۶

حمایت ها، بمبستگی با مردم آبادان

صفحات ۸-۱۰

حکومت اسلامی ایران باید از سازمان جهانی کار اخراج شود! اطلاعیه شرکت در آکسیون اعتراضی مقابل سازمان جهانی کار

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، صفحات ۱۴ و ۱۵

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۲۸

۲ خرداد اردیبهشت ۱۴۰۱

۲۳ مه ۲۰۲۲



چهارشنبه ها منتشر میشود

یاد داشتی از کیان رضایی

کارگر نفت

صفحه ۲

ادامه تظاهرات در چند شهر،

بیانیه سینماگران خطاب به

نیروهای سرکوب

مردم مراسم عزاداری حکومتی را

به اعتراض علیه حکومت تبدیل

کردند، صفحه ۵

ادامه اعتراضات در آبادان،

دزفول، شهر ری، تهران،

اندیمشک، صفحه ۶

کارگران پتروشیمی آبادان در

همبستگی با خانواده های

جانباختگان فاجعه متروپل

وارد اعتصاب میشوند

صفحه ۷

اعتراض کارکنان راهبر متروی

تهران و کارگران شرکت

پتروپالایش کنگان

صفحه ۵

بازداشت شدگان بی آر تی

شرکت واحد آزاد شدند

صفحه ۴

نقش تشکلهای نهادی مبارزاتی در گسترش خیزش جاری

حمید تقوایی

معلمان و جنبش بازنشستگان؛ کانون نویسندگان و فعالین جنبش علیه سانسور و خواهان آزادی بیان و قلم؛ آن ده تشکل کارگران و معلمان و مدافعین حقوق زن که قطعنامه رادیکال و کوبنده و فراگیر در اول ماه مه امسال را منتشر کردند؛ مادران خاوران و مادران آبان که اعلام کردند رای ما سرنگونی است و در دادگاه آبان تریبونال حکومت را به محاکمه کشیدند؛ فعالین و نهادهای معترض به زن ستیزی و تبعیض و جداسازی جنسیتی در

ورزشگاهها و دانشگاهها و در کوچه و خیابان؛ همه آن نویسندگانی که در محکومیت قتل بکتاش آبتین کیفرخواست کوبنده ای علیه حکومت دیکتاتوری و سانسور منتشر کردند؛ همه فعالین و نهادهای علیه اعدام و علیه آپارتاید جنسی و علیه تبعیض و نابرابری؛ همه تشکلهای و فعالین جنبش دانشجویی که همیشه نقش پیشرونی در مبارزات داشته اند؛ و صدها ان جی او و

انجمن ها، کانونها، ان جی او ها، سمن ها، اتحادیه ها و کمیته ها و شوراهای و کلا نهادها و تشکلهای بسیاری در جامعه فعال هستند. امروز زمان آن فرارسیده که این نهادها و تشکلهای با بیانیه ها و قطعنامه ها و فراخوانهای خود جنایت متروپل آبادان را محکوم کنند و از مردم آبادان اعلام حمایت کنند. فعالین و تشکلهای و نهادهای جنبش کارگری، جنبش دادخواهی، جنبش



سمن و نهاد و تشکل دفاع از حقوق شهروندی و حقوق مدنی؛

با آرزوی پیروزی

حمید تقوایی

۶ خرداد ۱۴۰۱، ۲۷ مه ۲۰۲۲

برگرفته از صفحه فیس بوکی حمید تقوایی

پیش بسوی اغصابات حمایتی از مردم آبادان

حمید تقوایی

دیگر بویژه کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه، کارگران فولاد اهواز و همچنین کارگران صنعت نفت در سراسر ایران.

به امید گسترش اعتصابات حمایتی از مردم آبادان و با آرزوی پیروزی.

حمید تقوایی

۵ خرداد ۱۴۰۱، ۲۶ مه ۲۰۲۲

علیه سونامی تورم و گرانی در شهرها سر بلند کرد و بعد از فاجعه آبادان اوج تازه ای گرفته و در حال گسترش است. بر متن ای تظاهراتها اعتصاب کارگران پالایشگاه و پتروشیمی نقش و جایگاه مهمی پیدا میکند. این اعتصاب در واقع سرآغاز بمیدان آمدن جنبش کارگری در حمایت از تظاهرات شهری و علیه جمهوری اسلامی است. و میتواند الگو و نمونه ای باشد برای کارگران بخشهای

اجتماعی و اقتصادی و تامین امنیت و آسایش و بر آورده شدن تمام مطالبات به حق مردم این شهر از رفتن به محل کار خودداری خواهند کرد.

باید به این کارگران عزیز تبریک گفت و برایشان آرزوی پیروزی کرد. این اقدام گام بزرگی بجلو است نه تنها در حمایت از مردم آبادان بلکه در تقویت تجمعات و تظاهرات مردم شهرهای مختلف علیه حکومت. تظاهراتهایی که از هفته گذشته

بنا به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، کارگران پالایشگاه و پتروشیمی آبادان اعلام کرده اند که در همبستگی با مردم آبادان و خانواده های قربانیان ریزش ساختمان متروپل اعتصاب خواهند کرد. این کارگران در اطلاعیه خود اعلام میکنند تا روشن شدن وضعیت شهر آبادان از نظر

مردم قدرت خود را دارند در اعتراضات متحد شان می بینند و با شعار ترسید، ترسید، ما همه با هم هستیم دارند این را بیان میکنند. دیر نیست که ریشه ظلمتان، ستمتان و نظام سرمایه داریتان را برای همیشه ریشه کن خواهیم کرد.

نشنیده اید. چه داغهایی که بر دل ملت نگذاشته اید. چه اشکهایی که جاری نکرده اید. ولی امید همیشه زنده است و باورها روز به روز تقویت میشوند. و این امید به سرنگونی نظام سرمایه داری مافیایی و دزد حاکم و باور به اتحاد و همبستگی همه ما کارگران است.

یادداشتی از کیان رضایی کارگر نفت

دیر نیست که ریشه نظامتان را برای همیشه ریشه کن خواهیم کرد.

آیا هجده تیر ۷۸ مطالبه بر حق نبود!!!! اگر مطالبات مردم بر حق است، چرا از نیروی ضد شورش استفاده میکنید؟ چقدر خانواده هایی را داغدار کرده اید تا چرخ حکومتتان بچرخد. چقدر شادی و نشاط مردم را نشانه رفته اید تا ساعت خوشی خود را کوک کنید. چه زجرها که بر این مردم روا نداشتید. چه ظلم ها که بر طبقات ضعیف جامعه نکرده اید. چه کارگرانی که شرمنده زن و بچه خود نکرده اید. چه پدران و مادرانی که در سوگ عزیزانشان نشانده اید. چه غارتهایی که بر مال ملت نکرده اید. چه فریادهایی که

با گسترش اعتراضات و خشم مردم، رسانه های حکومتی با ترس و لرز از لفظ مطالبات برحق یاد میکنند. بعد از سرکوب شدید مردمی، که روز به روز سفره مردم کوچک و کوچکتر میشود و وقتی هم کارگر، معلم اعتراض میکند او را اغتشاشگر و عوامل نفوذی و نوکر غرب و... میخوانند. کلیه ی ابزار رسانه ای را هم در دست دارند و از آن طرق میکوشند مثنی دروغ و و کذب و خرافه و چرندیات تحویل مردم بدهند.

آیا دیمه ۹۶ مطالبات بر حق نبود!!! آیا خرداد و تیر ۸۸ مطالبات بر حق نبود!!!!



آخر خط یک مانع تشکیلات سیاه

یاشار سهندی

جمهوری اسلامی به سرایشی سقوط افتاده است. آوارش نه تنها بر سر حاکمان اسلامی سرمایه دارد فرو میریزد، بلکه کسانی هم که به هر شکلی زیر پرچم این حکومت سینه زده اند خود را گرفتار می یابند؛ برای همین دادشان درآمده است: "به کجای این شب تیره بیاییم قبا ی ژنده خود را! بیچاره نیما یوشیج که چنین شعرش به تاراج می رود. سخن از حسین اکبری و حسین اکبری هاست. ایشان در آخرین نوشته اش در مانده از وضعیت که خود را در آن گرفتار می بیند نوشته: چه بگویم!

"سالهاست قلم به دست می گیرم و می نویسم، آنچه را که نشاید و از آنچه باید! اما این روزها به سختی برای انتخاب موضوع با خودم می جنگم که چه را باید بنویسم از چه بگویم؟ که از درجه اهمیت بیشتری برخوردار باشد که دیگری را نیست؟ از کدام درد و غمی که برجان مردمان ما افتاده و بر کدام ناروایی که این جامعه را فراگرفته است." و برای ایجاد حس دردمندی با خود این بار شعر شاملو را به یغما میبرد. برآستی حس بدی است که آنچه را که نشاید و آنچه باید را بگویی، و هر چه از نشایدها و بایدها که گفتمی هم در جهت حفظ حکومتی بوده که نفس وجودش، دشمنی با نفس انسانیت بوده و اکنون نفس این حکومت به شماره افتاده است.

نشاید و بایدها حسین اکبری چه بود؟ لازم نیست خودمان را به زحمت بیندازیم و پادمان بیاید که ایشان چگونه نشایدها و بایدها را تعیین می کردند. همین کمتر از یکماه پیش، درست دو روز بعد از اول مه، ایشان در یادداشتی تلاش همه کسانی که سعی داشتند آجر روی آجر بگذارند و سنگی را از سر راه جنبش کارگری ایران کناری بزنند هیچ شمرند.

ایشان همه فعالیتها برای سازماندهی تشکیلات کارگری، از سندیکایی بگیرند تا شورایی و همه مبارزات بازنشستگان را اینگونه در آن یادداشت به سخره گرفته اند: "سخن من با آن دسته از گروههایی از کارگران شاغل و بازنشسته است که زیر هر

و رو به سوی ستادهای امر به معروف و نهی از منکر آورده اند. که گویا یک نکبتی در این ستادهای، در یک شهری، یک کلام مثلا در دفاع از کارگر گفته است؛ آنهم از سر ناچاری برای اینکه سر یک مبارزه معین را به سنگ بکوبند. حسین اکبری به وقتش فکر کرده: آهان خانه کارگر و شورای اسلامی نشد این که میشود! جمهوری اسلامی اگر آنقدر روسیاه است که خود نمی تواند از روابط دوجانبه و دموکراتیک بگوید، اما مدافعان زبان دراز تشکیلات سیاه حکومتی که میتوانند.

نوشته ایشان نه الان بلکه همیشه خطاب اصلی اش حکومت اسلامی بوده است نه فعالین کارگری. حسین اکبری بعد از ادا و اطوار که چه بگویم و برای چی بنویسم، فروتنانه دست به قلم شده تا یک چیزهایی را پنهان کند، برای همین تازه میپرسد: "این همه ستمبارگی از چه رو برپا شده است؟" کسی که وظیفه شریفش خاک تو چشم کارگر پاشیدن است، نوشته...: خاک بر چشمان ما پاشیده اند! سالهاست که خاک بر چشمان ما پاشیده اند... "دیگر چیزی برای گفتن نمی ماند جز اینکه بگویم. در و تخته حسابی با هم جور است. یعنی جمهوری اسلامی و مدافعانش هر دو از یک خمیر مایه اند!

حسین اکبری در آخرین پارگراف های نوشته آخر خود، نشایدها و بایدهایش را اینچنین جمع و جور می کنند: "هیچ قدرتی درکشور را یارای مقابله با رخدادهای ناگزیر در آینده دور و نزدیک نخواهد بود. تمامی بگیر و ببندها، پرونده سازیها و سرکوبها در اوضاع کنونی تاثیرات منفی تری خواهد گذاشت و تاثیر

اینگونه ترفندهای اطلاعاتی - امنیتی از مدتهاست از باور مردم رخت بر بسته است و مردم هوشیارتر از آنند که اسیر فریب سناریوهای رنگ باخته گردند." اما آدمیزاده و امید! حسین اکبری هنوز ته دلش امیدی دارد شاید کسی نشایدها و بایدهای ایشان را در رژیم اسلامی تحویل بگیرد؛ و در مقام مصلح میفرمایند: "امروز شرط زندگی و سر زندگی مردم در خواست و مشارکت در تعیین سرنوشت خویش است. دولت ها یا باید خدمت گذار مردم باشند... و گر نه...!

از آن یادداشت حسین اکبری زمانی نگذشت که تیغ جراحی اقتصادی، آخرین یورش همه جانبه به زندگی از طرف جمهوری اسلامی زخمی عمیق بر تن جامعه نشانند. در پی آن بار دیگر اعتراضات خیابانی، شورش گرسنگان برای معیشت و منزلت شعله کشید و میروید که با اعتصابات کارگری، جمهوری اسلامی را در آتش اعتراضات و اعتصابات بسوزانند. یک نمونه، اعتصاب کارگران شرکت واحد تهران منجر به این شد که حکومت اسلامی دستپاچه چهار روز پایتخت را تعطیل کند و این نشان داد جامعه سر زنده است و از خودش دفاع میکند.

سالهاست قبا ی ایشان کنار عبا ی خونین ملایان به شب تیره جمهوری اسلامی آویزان بوده است. این آخر خط کسانی است که تنها هنرشان رنگ کردن گنجشک و قناری جازدن آن بوده است.

ماهواره پاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولار، یزاسیون، عمودی

سیبیل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یونلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولار، یزاسیون، عمودی

سیبیل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com



تنگ ما، تنگ ما، صدا و سیمای ما
شعار اعتراضی مردم در آبادان و در
شهرهای دیگر

مردم به محاکمه کشیده و به سزای اعمالشان برسانند. دور نیست روزی که تک تک جنایتکاران از خامنه ای گرفته تا باقی سران ریز و درشت حکومت که در جنایات علیه مردم دست داشته اند در دادگاه های مردمی در مقابل مردم زانو بزنند و بگویند که غلط کرده اند.

ضایعات فلزی ناشی از آوار ساختمان در رسانه های اجتماعی پخش شده بود. صدا و سیمای حکومتی به خاطر این رسوایی غیر قابل انکار، روز بعد ناچار شد مزدور خود را مجدداً مقابل دوربین قرار دهد تا بابت رسوایی و دروغگویی سازمان یافته اش از مردم عذرخواهی کند. این قدرت اتحاد و اعتراض مردم است که حکومت را اینگونه در مقابل خود به زانو در می آورد. عذرخواهی این مزدور و به غلط کردن افتادش به معنای واقعی به غلط کردن افتادن سران حکومت در برابر مردم به خشم آمده ای است که عزم جزم کرده اند تا حکومت سراپا فساد و جنایتکارشان را سرنگون سازند و همه آنان را به جرم چهل و سه سال جنایت علیه

جنایتکارانه شان را در قبال جان مردم پرده پوشی کنند. از جمله برای اینکار دست به پخش نمایشات مشمزر کننده و عوامفریبانه زدند و در یکی از نمایشات رسوای خود، یکی از مزدوران خود را به عنوان نجات یافته از زیر آوار توسط امدادگران حکومتی در بیمارستان معرفی کرد. او در حالیکه بر روی تخت بیمارستان دراز کشیده و عینک سالم و بدون خش خوردگی بر چشم داشت و هیچ آثاری از جراحی بر سر و صورت و بدن نداشت، بی شرمانه می گفت که سی ساعت زیر آوار مدفون بوده که توسط امدادگران حکومتی نجات یافته است! این در حالی بود که تصویر و فیلم همین مامور حقیر هنگام جمع آوری

مهران محبی، از ایران

فاجعه متروپل باعث قربانی شدن تعداد زیادی از کارگران و افرادی که هنگام ریزش ساختمان در آن بودند، شد. حکومت مانند همیشه در برخورد به هر بحرانی در جامعه که سران جنایتکارش در خلق آن سهیم و نقش داشته اند و از ترس فوران خشم مردم در صدد مقابله بر آمده و اینبار نیز به جای اقدام برای نجات افراد مدفون در زیر آوار، همراه با گسیل سرکوبگرانش برای مقابله با مردم خشمگین آبادان، مزدوران حقیرش در صدا و سیمایا نیز به محل فرستاد تا اخبار دروغ پخش کنند تا بلکه به شکلی چپاولگری های پشت پرده و سیاستهای

اعتصاب پالایشگاه و پتروشیمی آبادان، پاسخی به فاجعه متروپل

خود به اعتصاب خبر داده اند. این کارگران همچنین با اذعان اینکه شکایت بردن از دزدان و غارتگران نزد حامیان آنها کاری عبث و بیهوده است و حاصلی جز اتلاف وقت و انرژی ندارد، چاره را در عکس العمل از موضوع قدرت و همبستگی و اتحاد دانسته و از آغاز اعتصاب یکپارچه و سراسری خود در پالایشگاه و پتروشیمی آبادان تا روشن شدن وضعیت شهر در زمینه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، امنیت، آسایش و بر آورده شدن تمام مطالبات به حق مردم خبر میدهند. بیانیه کارگران پتروشیمی و پالایشگاه

بنا بر خبر شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، کارگران پالایشگاه و پتروشیمی آبادان در اعتراض به سیستم چپاولگر حاکم بعنوان مسبب اصلی فاجعه انسانی متروپول، وارد اعتصاب میشوند.

این کارگران با اعلام اینکه بجای بهره مندی از ثروت سرشار کشور، فقط ظلم، فساد، تباهی و تیره روزی و مرگ نصیب مردم میشود و حاصل کار و تلاش آنان، آرامش و آسایش برای ظالمان، رانتخواران و بی کفایتان است، علیه سرمایه داری مافیایی حاکم کیفرخواست داده و از ورود



چون نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز و دیگر مراکز نفتی به این حرکت است. با اعتراضاتی سراسری و قدرتمند باید به کل این توحش و بربریت خاتمه داد.

شهلا دانشفر

مندرج در ژورنال شماره ۱۲۱

آبادان و اعلام اعتصابشان در همبستگی با بازماندگان فاجعه متروپل پاسخی محکم به حکومت مافیایی حاکم و باندهای چپاولگرش بعنوان مسبب چنین فجایعی است. از این فراخوان وسیعاً حمایت کنیم. تاکید بر پیوستن همه بخش های کارگران در استان خوزستان بویژه مراکز

بازداشت شدگان بی آرتی شرکت واحد آزاد شدند

روز ۲۶ اردیبهشت در جریان اعتصاب کارگران بی آرتی شرکت واحد شماری از کارگران معترض بازداشت شدند. زیر فشار اعتراضات کارگران در روز پنجم خرداد ماه ده نفر از آنان به اسامی محسن قرایی، حامد اصغری، علی صمغ خان، جواد صادقی، محمدعلی عبادداری، علی اصغر ابشناس، محسن کبیری دور، احد صالح پور، فریبرز

سجادپور، ابراهیم گورانی و هفتم خرداد وحید فریدونی آخرین نفر آنها با قید وثیقه آزاد شدند. آزادی آنها را به این عزیزان، به خانواده هایشان و به همگان تبریک میگوئیم. متأسفانه رضا شهابی و حسن سعیدی دو عضو سندیکای شرکت واحد که در جریان پرونده سازی های نخ نمای اخیر حکومت همراه با سیسل کولر و ژاک پاری ای از فعالین کارگری فرانسه و



این پرونده کذایی امنیتی، معلمان و کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

چند نفر از معلمان و فعالین اجتماعی دیگر تحت عنوان جاسوسی و تلاش برای ایجاد اغتشاش دستگیر شده اند، هنوز در بازداشت هستند. تمامی دستگیر شدگان

ادامه تظاهرات در چند شهر، بیانیه سینماگران خطاب به نیروهای سرکوب

مردم مراسم عزاداری حکومتی را به اعتراض علیه حکومت تبدیل کردند

امروز هشتم خرداد ماه نیز اعتراضات و تظاهرات مردم ادامه یافت. جمهوری اسلامی امروز را به شیوه خود عزای عمومی اعلام کرده بود تا بلکه فضای ضد حکومتی را کاهش دهد. اما این ترفند نیز کمکی به آن نکرد و انزجار بیشتری علیه حکومت را از جانب مردم برانگیخت. مردم در آبادان با خشم و نفرتی بیشتر به خیابان آمدند و فریاد مرگ بر دیکتاتور سر دادند.

در جزیره مینو امروز یک شبه مراسم تدفین چهار تن از قربانیان فاجعه متروپل انجام گرفت و در ادامه آن مردم این جزیره به آبادان رفتند و با اعتراضات در آبادان همراه شدند. مردم آبادان ابتدا در چهارراه امیری جمع شدند و با حمله نیروی انتظامی تجمع کنندگان مدت کوتاهی متفرق شدند. اما بعد از پیوستن مردم جزیره جمعیت افزایش یافت و تظاهرات بزرگی در شهر بر پا شد. آبادان بار دیگر یکپارچه به فریاد علیه حکومت تبدیل شد. هنگامی که یک آخوند شروع به صحبت کرد مردم با فریاد "بیشرف،

بیشرف" او را ساکت کردند و علیه کل حکومت شعار دادند. مردم از جمله شعار میدادند: "نگ ما، نگ ما، رهبر الدنگ ما"، "میکشم، میکشم، آنکه برادرم کشت"، "حکومت آخوندی نمیخواهیم، نمیخواهیم"، و بسیجی بروگمشو.

نیروی انتظامی فراوانی در خیابانهای شهر مستقر شده بودند و مردم در برابر آنها شعار میدادند: ما همه اهل جنگیم، بجنگ تا بجنگیم. در جاهایی یگان ویژه به مردم حمله کرده و جمعیت با هو کردن و شعار بیشرف، بیشرف آنها را عقب میزدند. حکومت وحشت زده و نگران از گسترش بیشتر اعتراض دست به سرکوب و دستگیری زده و متوسل به تیراندازی شده است. خیابانهای شهر به صحنه جنگ و گریز مردم با سرکوبگران تبدیل شده است.

امشب مردم مسجد سلیمان، کازرون و خرمشهر نیز در حمایت از مردم آبادان به خیابان آمدند. در مسجد سلیمان نیروی سرکوب به مردم یورش برده و با مردم درگیر شد. در کازرون مردم در همبستگی

با مردم آبادان و به یاد قربانیان فاجعه متروپل شمع روشن کردند. در خرمشهر بنا بر خبرها در منطقه سلیج بین مردم معترض و نیروهای سرکوبگر درگیری رخ داد.

مردم در آبادان و شهرهای مختلف مراسم عزاداری حکومتی را به تظاهرات های ضد حکومتی و صحنه خشم و نفرتشان از حکومت مافیایی حاکم تبدیل کردند.

علاوه بر تظاهرات ها در کف خیابان، بیانیه های حمایتی از سوی بخش های مختلف جامعه شکلی از همبستگی ها و بلند کردن صدای اعتراض علیه حکومت است. در گزارشات قبلی نمونه های آنرا اشاره کردیم. در ادامه این همبستگی ها امروز هشتم خرداد حدود ۱۰۰ سینماگر ایرانی طی بیانیه ای از نیروهای سرکوب حکومت خواستند سلاحهایشان را زمین بگذارند و به مردم پیوندند. امضانندگان این بیانیه با اشاره به جنایتی که در آبادان بوقوع پیوسته، از همه افرادی که در یگانهای نظامی تبدیل به عامل سرکوب مردم شده اند، خواسته اند که سلاح های خود را بر زمین بگذارند و به آغوش مردم بازگردند. آنها نوشته اند: "اکنون که خشم عمومی از فساد، دزدی، ناکارآمدی سرکوب و خفقان، امواج همبسته ای از

اعتراضات مردمی را به دنبال داشته است از همه افرادی که در یگانهای نظامی تبدیل به عامل سرکوب مردم شده اند می خواهیم سلاح های خود را بر زمین گذاشته و به آغوش ملت بازگردند".

خانواده های قربانیان هواییمی اوکراینی نیز ضمن هم دردی با بازماندگان فاجعه متروپل با مردم معترض اعلام همبستگی کردند.

در کنار اعتراضات کف خیابانی اعتراضات بخش های مختلف جامعه از جمله بازنشستگان، معلمان، کارگران، پرستاران نیز جریان دارد. از جمله امروز بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای مشهد، تبریز، کرمانشاه، قزوین، اهواز و شوش تجمع داشتند و پرستاران شاغل در تامین اجتماعی در تهران تجمع کردند. اعتصابات سراسری، تجمعات سراسری، اتحاد مبارزاتی بخش های مختلف جامعه و پیوستن شهرهای بیشتر به تجمعات اعتراضی در همبستگی با مردم آبادان و به اعتراضات در کف خیابان ها تداوم و قدرت می بخشد. جمهوری اسلامی باید ناپود گردد. به هر شکل ممکن با اعتراضات مردمی باید همراهی کرد.

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰۲۲ مه ۲۹، ۱۴۰۱ خرداد ۸

برخی از شعارهای اعتراضات مردمی در ایران:

مرک بر جمهوری اسلامی	مرک بر خانه ای	توپ تا ناک فکته، آخوند باید کم بشه
تا دیکتاتور رو کاره / قیام ادامه داره	مرک بر ریشی مرک برو دیکتاتور	دشمن ما، همین جاست، دوغ میکن آمریکا ست
فقر، تبعیض، جنایت / مرک بر این ولایت	اینمه سال جنایت، مرک بر این ولایت	تسرید، تسرید ما همه با هم، هس تیم
آزادی، آزادی، آزادی	مرک بر اصل ولایت فقیه	خانه ای قاتله ولایتش باطله"
زندانی سیاسی آزادی باید کرد	فرمانده کل قوا استعفا استعفا	بسجی بروگمشو
جمهوری اسلامی نابود باید کرد	ننگ ما، ننگ ما، صدا و سمای ما	خانه ای حاکن، مملکت راراکن
جمهوری اسلامی میخوایم، میخوایم	ما همه اهل جنگیم، بجنگ تا بجنگیم	ریشی حاکن مملکتوراکن
آزادی برابری حق مسلم ماست	مرک بر سنگر	فقط کف خیابون به دست میاد حقمون

ادامه اعتراضات در آبادان، دزفول، شری، تهران، اندیشک

اعتراضات علیه مسببین فاجعه فروری ساختمان متروپل در آبادان و قربانی شدن شمار زیادی از مردم و زد و بند های پشت پرده چپاولگران حکومتی برای لاپوشانی ماجرا، ادامه دارد. بنا بر آمارهای دولتی و به گفته استاندار منفور خوزستان در این فاجعه هولناک تاکنون پیکر ۲۹ نفر از زیر آوار بیرون کشیده شده که هویت سه نفرشان روشن نیست و ۳۸ نفر نیز مفقود الاثر هستند.

آبادان همچنان یکپارچه خشم و اعتراض است و شب گذشته در این شهر مثل چند شب قبل مردم بسیاری به خیابان آمده و با شعار "فرمانده کل قوا استعفا استعفا" و دیگر شعارهای ضد حکومتی فریاد اعتراضشان بلند بود. بنا بر خبرها بامداد امروز نیز در این شهر مردم و جوانان با سنگ به گارد ویژه جمهوری اسلامی حمله کرده و آنها را فراری دادند.

در اهواز مردم برای سومین شب به خیابان آمدند و با شعار ما همه اهل جنگیم، بجنگ تا بجنگیم! دست به اعتراض زدند. در این شهر جاده ساحلی توسط مامورین امنیتی کاملاً بسته و اجازه تردد به مردم داده نمیشد. به همین دلیل مردم تجمع خود را در این شب در یکی از خیابانهای محله کیانپارس برگزار کردند و با روشن کردن شمع یاد جانباختگان را گرمی داشتند. حضور زنان در این تجمعات چشمگیر بود.

بنا به گزارشها در تهران نیز شب گذشته در محله فلاح نیروهای سرکوبگر با مردم معترضی که در همبستگی با مردم آبادان به خیابان آمده بودند، درگیر شدند. در میدان ولیعصر نیز مردم به خیابان آمده و در همبستگی با آبادان شمع روشن کردند. اما لباس شخصی ها تلاش کردند مردم را متفرق کنند. در میدان قدس مردم معترض به خیابان آمده و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند و بنا بر خبرها در این شب برای جلوگیری از اعتراضات، نیروی گارد ویژه و لباس شخصی ها به تعداد زیاد در دولت آباد تهران مستقر بودند. در شهر ری نیز شب گذشته در همبستگی با مردم آبادان، مردم به خیابان آمدند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند.

در دزفول هم بنا بر خبرها شب گذشته تجمعات جریان داشت و شمار زیادی از نیروهای انتظامی حکومت فضا را امنیتی کرده و به تجمعات اعتراضی مردم حمله کرده و درگیر میشدند. شمار نامعلومی از معترضین بازداشت شدند. اینترنت در شهر دزفول و شهرهای دیگر خوزستان در ساعات بسیاری از روز قطع و یا بشدت ضعیف بود. همچنین در اندیشک شب گذشته مردم به حمایت از اعتراضات مردمی در آبادان به خیابان آمدند. در این تجمع مامورین انتظامی با مردم درگیر شدند و هنگامیکه یکی از آنان به صورت یکی از زنان در تجمع سیلی زد، مردم خشمگین تر شدند و با هو کردن و فریاد بیسرف، بیسرف، مامور جنایتکار را مورد حمله قرار دادند و او را کتک زدند. تظاهر کنندگان شعار میدادند: "خامنه‌ای قاتله ولایتش باطله"، و "مرگ بر دیکتاتور".

خبرها از دستگیری شماری از تظاهر کنندگان آبادان و شهرهای دیگر گزارش میدهند. از جمله دو شب قبل بیش از بیست نفر از در شهر آبادان بازداشت شده اند. شب گذشته نیز تعدادی دستگیر شدند که اطلاع دقیقی از تعداد آنها نیست. بعلاوه دیروز بعد از ظهر نیروهای انتظامی هنگام بعد از ظهر به مغازه داران فشار آوردند که برای جلوگیری از تجمع مردم کار خود را تعطیل کنند. اما مغازه داران مقاومت کرده و حاضر به این کار نشدند و تعدادی از آنها دستگیر شدند. بر اساس گزارشات دریافتی تعدادی از بازداشت شدگان همان مردمی هستند که در امر کمک رسانی برای بیرون آوردن زیر آوار ماندگان تلاش میکردند. از جمله برخی از آنها کارگران فاز دوم پالایشگاه آبادان هستند که از غروب روز اول با تجهیزاتی که خود تهیه کرده و کار برش تیر آهن ها و باز کردن راه ورود به طبقات زیر زمینی ساختمان را فراهم میکردند. آزادی بازداشت شدگان یک خواست فوری مردم است. بنا بر همین گزارشات خانواده ها پیگیر وضع بازداشت شدگان هستند. اما به آنها پاسخی داده نمیشود. بعلاوه خبر ها از امنیتی بودن فضای شهرهای اندیشک، دزفول، ایذه، اهواز و

شیراز که در شب قبلتر در همبستگی با مردم آبادان به خیابان آمده بودند گزارش میدهد. آزادی بازداشت شدگان یک خواست فوری مردم است.

دامنه اعتراضات مردمی در همبستگی با آبادان گسترش می یابد. علاوه بر تظاهراتهای اعتراضی در همبستگی با مردم آبادان در شهرهای مختلف مردم در اشکال دیگر از جمله انتشار بیانیه های حمایتی همبستگی خود را با مردم آبادان اعلام میکنند. از جمله در این مدت تشکلهای معلمان از شهرهای مختلف، کانون نویسندگان ایران، مادران دادخواه، جمع هایی از ورزشکاران، تشکلهای مختلف کارگری از جمله اتحادیه آزاد کارگران ایران و سندیکای نیشکر هفت تپه حمایت و همبستگی خود را با مردم آبادان اعلام کرده و ضمن محکوم کردن این جنایت آشکار و سیاست های سرکوبگرانه حکومت در قبال مردمی که قربانی داده اند، از خواست ها و مبارات مردم در این شهر حمایت و پشتیبانی کرده اند. و امروز مدیای اجتماعی به کانون ابراز اعتراض و همبستگی با مردم آبادان تبدیل شده است. فاجعه انسانی آبادان

آنشی دیگر بود که خشم مردم را که در همین دو هفته اخیر در اعتراض به سونامی گرانی و کل جهنم جمهوری اسلامی به خیابان آمده بودند، شعله ور تر کرد. محاکمه عاملین و مسببین فاجعه متروپل، پرداخت خسارات به آسیب دیدگان و بازماندگان قربانیان، بیرون رفتن سرکوبگران حکومت از این شهر و آزادی فوری و بدون قید و شرط همه بازداشت شدگان اعتراضات در آبادان و شهرهای دیگر، خواستههای فوری مردم است. با گسترش تجمعات اعتراضی، با انتشار بیانیه های مشترک و جمعی و اعتصابات حمایتی باید بر این مطالبات همه جا تاکید کرد. اعتصابات سراسری، همبستگی و اتحاد جنبش های اجتماعی مختلف با یکدیگر بر سر خواستههای فوری و در دفاع از زندگی و امنیت و معیشت، نقش مهمی در تقویت و تداوم اعتراضات خیابانی دارد و گام مهمی در جلو بردن جنبش برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی میباشد.

ناپود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ خرداد ۱۴۰۱، ۲۹ مه ۲۰۲۲

اعتراض کارکنان راهبر متروی تهران و کارگران شرکت پتروپالایش کنگان

تجمع کنندگان شعار میدادند: «نه کارگرم نه کارمند زندگیمون هدر رفت».

روز پنجشنبه ۵ خرداد کارگران داربست بند پروژه ای شرکت ناورود شاغل در پتروپالایش کنگان با مطالبه افزایش دستمزد و نوبت کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت و تغییر وضعیت نامناسب غذا و خوابگاه های غیر بهداشتی، دست به اعتصاب زدند و از آنجا که مدیریت حاضر به قبول مطالبات آنها نشد تصمیم به تسویه حساب با کارفرما گرفتند. این ها همه خواسته های دهها هزار کار پروژه ای پیمانی نفت است که اعتراضات گسترده ای بر سر آن داشته و خواست مهم آنها کوتاه شدن دست پیمانکاران است. اکنون با توجه به سونامی گرانی اعتراضات در میان این کارگران گسترش بیشتری یافته است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ خرداد ۱۴۰۱، ۲۸ مه ۲۰۲۲

صبح روز ۷ خرداد کارکنان راهبر متروی تهران در اعتراض به عدم اجرای مصوبه ی شورای عالی کار برای افزایش حقوق که خود نیز چند بار زیر خط فقر است و در نظر گرفتن صرفاً ده درصد افزایش مزدی بری آنها و در اعتراض به گرانی ها سرعت قطارهای خود را کاهش دادند. تعداد کارگران راهبر متروی تهران حدود دوهزار نفر است.

گفتنی است که قبلاً در همین رابطه رانندگان بی آری تی شرکت واحد در تهران اعتصاب داشتند و این موضوع مورد اعتراض بخش های مختلف شهرداری از جمله آتش نشانا، کارگران فشار برق قوی نیز هست. بعلاوه کارگران مخابرات نیز بر سر این موضوع اعتراض دارند. بعلاوه کارگران قرارداد موقت نفت نیز بر سر همین موضوع و در ادامه اعتراضات قبلی، در روز ۴ خرداد مقابل ساختمان وزارت نفت در تهران تجمع کردند.

کارگران پتروشیمی آبادان در، بمبستگی با خانواده های جانبازان فاجعه متروپل وارد اعتصاب میشوند

بسط ظلم و چپاول خاتمه داد. حزب بر همبستگی وسیع مردم در تمام شهرها در سطح سراسری و اعتصابات حمایتی کارگری تاکید میکند. در سطح استان خوزستان نیز باید وسیع به اعتراض مردم آبادان پیوست.

بخشی از اطلاعیه حزب کمونیست کارگری مورخ پنجم خرداد ماه ۱۴۰۱

روز پنجم خرداد کارگران پالایشگاه و پتروشیمی آبادان در حمایت از مردم آبادان قصد داشتند که در پارک شاپور تجمع کنند که با ممانعت نیروی انتظامی روبرو شدند. اما کارگران بر اعتصاب خود پافشاری کرده و اعلام کردند که تا رفع تمامی مشکلات اقتصادی، امنیتی، اجتماعی و بی آبی ها در این شهر دست به اعتصاب خواهند زد.

اقدامی هوشیارانه دانسته و همه بخش های کارگران در استان خوزستان بویژه کانون های داغ اعتراضی چون مجمع نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز و دیگر



مراکز نفتی را را به این اعتصاب فرا میخواند. بلایی که امروز بر سر ساختمان متروپل آبادان آمد، چند سال پیش در پلاسکوری تهران شاهدش بودیم و همانطور که کارگران پالایشگاه و پتروشیمی آبادان اعلام کرده اند باید به این

موثرترین اقدام نیز هست. ما در این استان نه تنها از هیچگونه حق شهروندی، بلکه از کمترین حقوق انسانی هم برخوردار نیستیم. ما در کنار پرآب ترین رودخانه

آب شیرین با لب تشنه و با چشمانی کور شده از ریز گردها در زیر آوار ظلم و ستم مسئولین بی وجدان دفن میشویم. نه آب داریم، و نه هوا و نه سهمی از ثروتمان. حالا این صبر و تحمل، شکیبایی، شرافت و نجابت ما کار را به جایی رسانده که جان عزیزترین کسانمان را می گیرند و خم به ابرو نمی آورند. ما ظلم پذیر نیستیم و کاری که از دستمان بر می آید را برای حفظ جان و مال خودمان انجام میدهیم و یکبار برای همیشه کار رو تمام میکنیم. برای قطع دست دزدها، مسبین و عاملین این فجایع و گرفتن سهم شهرمان از این بی شرفها در روز پنجشنبه مورخ 5 خرداد ۱۴۰۱ با حضور در مراسم عزاداری عزیزان از دست رفته و ابراز همدردی با خانواده های جانبازان اعتصاب خود را آغاز خواهیم کرد. ما مردم آبادان، خرمشهر، شادگان و دیگر شهرها اعم از فارس و عرب و بختیاری اعلام میداریم تا رسیدن به تمام خواسته های به حق خود از این اعتصاب دست نخواهیم کشید و تمام وعده ها و ترفندهای فریبکارانه شما را ناکام خواهیم گذشت. دیگر بس است چقد ظلم؟ چقدر تحمل؟ مگر دیگر چه داریم که با اعتصاب نگرانی از دادن را داشته باشیم. از عموم مردم غیور آبادان و خرمشهر دعوت میکنیم که روز پنجشنبه با حضور خود در بهشت زهرا از این حرکت حق خواهانه حمایت کرده و فریاد دادخواهی خود را بلند کنند. ظلم کافیت!

روز پنجم خرداد ماه کارگران پتروشیمی آبادان نیز طی بیانیه ای در همدردی با خانواده های جانبازان ساختمان متروپل اعلام اعتصاب کرده اند. بیانیه ای تاریخی و کیفی خواستی علیه کل بساط چپاول و جنایت سرمایه داری مافیایی حاکم است. در این بیانیه کارگران پالایشگاه و پتروشیمی آبادان خطاب به مردم داغیده آبادان از آغاز اعتصاب خود تا پاسخ گرفتن همه مطالبات مردمی و پایان دادن به کل این بساط ظم و بربریت سخن گفته و فریاد اعتراض همه مردم در خوزستان و در کل جامعه شده اند. متن بیانیه را در زیر میخوانید:

" مردم شریف و داغیده آبادان، خرمشهر، شادگان و شهرهای اطراف! با عرض تسلیت و با اندوه فراوان به مناسبت این مصیبت جانکاه به اطلاع شما مردم عزیز میرساند، کارکنان پالایشگاه و پتروشیمی آبادان معتقدیم که بجای بهره مندی از ثروت سرشار این آب و خاک فقط ظلم، فساد، تباهی و تیره روزی و مرگ است که نصیب ما میشود. و از حاصل کار و تلاش ما، آرامش و آسایش برای ظالمان رانتخواران و بی کفایتان حاصل شده است. ما به خوبی میدانیم که شکایت بردن از دزدان و غارتگران نزد حامیان آنها کاری عبث و بیهوده است و حاصلی جز تلف کردن وقت و انرژی ما ندارد و امیدی به استیفای حقمان از دستگاههای حامی دزدان نداریم. تنها چاره ای که برای مقابله با این حجم از بی توجهی و رها شدگی شهرهای استانمان که منجر به وقوع این فجایع دردناک و جگر سوز شده است، در پیش رو داریم، اینست که از موضع قدرت عکس العمل نشان داده و همبستگی و اتحاد خودمان را به نمایش بگذاریم. ما اقدام به اعتصاب یکپارچه و سراسری در پالایشگاه و پتروشیمی آبادان خواهیم کرد و تا روشن شدن وضعیت شهر در زمینه های مختلف اجتماعی و اقتصادی، امنیت و آسایش و بر آورده شدن تمام مطالبات به حق مردم از رفتن به محل کار خودداری خواهیم نمود. این تنها کاریست که ما مردم از دستمان بر میآید و اتفاقا

حمایت شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از فراخوان کارگران پالایشگاه و پتروشیمی آبادان

شهر جمعی خواهند داشت و اعتصاب خود را رسماً اعلام خواهند کرد. شورای سازماندهی با حمایت از این اقدام همکاران در پتروشیمی و پالایشگاه آبادان و خواهشهای اعلام شده در بیانیه اعتراضی آنها همه همکاران در مراکز نفتی را به پیوستن به این اعتصاب و ابراز خشم و نفرت خود به آنچه در آبادان اتفاق افتاده فرا میخواند. از نظر ما مردم، بساط مافیایی سرمایه داری حاکم و حمایتهای حکومتی از افراد چون عبدالباقی مالک ساختمان متروپل، عامل اصلی چنین فجایعی است. مسبین این جنایت آشکار باید محاکمه شوند. برگرفته از مدیای اجتماعی

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت مراتب تسلیت و همدردی خود را به خانواده های جانبازان ساختمان متروپل اعلام داشته و خود را با اعتراضات مردم خشمگین این شهر به بساط مافیایی حاکم که آفریننده چنین فجایعی است همراه میداند. در واکنش به این فاجعه همکاران ما در پالایشگاه و پتروشیمی آبادان طی بیانیه ای تصویری اعلام کرده اند که در اعتراض به فاجعه متروپل و ابراز همدردی با خانواده های جانبازان اعتصاب خود را آغاز خواهند کرد. در همین راستا امروز بعد از ظهر در

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande

به حزب کمونیست
کارگری پیوندید!

در اعتراض به سرکوب داغ دیدگان و معترضان فاجعه‌ی متروپل آبادان

حمایت‌ها و همبستگی‌ها

صفحات ۸-۱۰

درک ابعاد فاجعه ببندد، به مدد مردم عقب رانده شده است و بی‌تردید این موج عظیم دادخواهی که اکنون پدید آمده به جریان پویای دادخواهی‌های پیشین می‌پیوندد.

کانون نویسندگان ایران با ارج نهادن به این موج دادخواهی، ضمن تسلیت به بازماندگان و داغ‌دیدگان این فاجعه و ابراز همدردی با آنان، همچون همیشه بی‌هیچ حصر و استثنا از حق اعتراض مردم و گردش آزاد اطلاعات دفاع می‌کند و از همه‌ی آزادی‌خواهان می‌خواهد صدای مردم ستم‌کشیده و سرکوب‌شده باشند.

کانون نویسندگان ایران

۷ خرداد ۱۴۰۱

(برگرفته از mdiای اجتماعی)

قطع اینترنت و جعل وقایع منتشر می‌شود. صدای اعتراض اما بلندتر از سرکوب و انسداد است و حقایق را می‌توان از دهان مردم داغ‌دیده شنید؛ مردمی که زیر ضرب گلوله و باتوم و گاز اشک‌آور، خودشان، هم دست‌به‌کار آواربرداری و امداد شده‌اند و هم دست‌به‌کار خروشیدن و فاش کردن و اعتراض.

آنچه در آبادان بر مردم می‌رود یادآور جنایت‌های سال‌های اخیر چون کشتار مردم در آبان ۹۸ و ساقط کردن هوپیمای مسافری است. بدیهی است آنانی که همواره چنگ بر جان و مال مردم انداخته‌اند، موفق نخواهند شد با تقلیل عوامل ویرانی‌آفرین به چند تن، فساد سیستماتیک و ستم‌پیشگی خود را انکار کنند. سانسور اخبار و تحریف واقعیت جاری که همچون همیشه قرار بود راه را بر

در طول این سال‌ها و دهه‌ها کم نبوده ویرانی‌هایی از این دست؛ کم نبوده فجایعی که به هیچ ترتیبی در قالب «حادثه» نمی‌گنجند. آنجا که پای فساد و تباهی ساختاری در میان باشد بر این ویرانی‌ها نمی‌توان نام حادثه گذاشت و تنها به «مجازات عاملان» آن بسنده کرد؛ عاملانی که همچون همیشه، در نمایشی ناشیانه به قصد سرپوش گذاشتن بر ریشه‌های فساد نهادینه شده در دستگاه‌های دولتی و نهادهای حاکمیتی «معرفی و مجازات» می‌شوند.

این‌بار هم روش و نمایش فرقی با گذشته نکرده است. این‌بار هم اولین واکنش حاکمیت به این فاجعه، نه اعزام نیروهای امدادگر، بلکه گسیل ادوات و تجهیزات سرکوب بوده است و اخبار رسمی‌اش با سانسور فریاد معترضان،

پنج روز از فرو ریختن ساختمان متروپل آبادان می‌گذرد و هر لحظه بر تعداد قربانیان این فاجعه افزوده می‌شود. روز دوشنبه ۲ خرداد تصاویر هولناک ویران شدن این ساختمان ۱۰ طبقه در فضای مجازی منتشر شد و مردم را در بهت و اندوه و خشم فرو برد. رسانه‌های رسمی حکومت با نیمه‌کاره خواندن این ساختمان و انتشار آمار غلط از مجروحان و درآوارماندگان سعی در پنهان کردن حقایق این فاجعه داشتند. اما اخبار و تصاویری که توسط مردم، با عبور از سد سانسور دست‌به‌دست می‌شود از ابعاد فجیع این ویرانی پرده برمی‌دارد و نشان می‌دهد این ساختمان نه تنها نیمه‌کاره نبوده است بلکه چند بخش آن راه‌اندازی شده و در زمان فرو ریختن، مردم بسیاری در آن بوده‌اند.

بیانیه‌ی حمایتی در همبستگی با مردم آبادان

انجمن فرهنگیان هرسین

به مناسبت حادثه غم‌بار و دلخراش آبادان عزیز: «سرمایه داری» خون می‌خواهد. این ذات غیر قابل تغییر این نظام مردم کش است. حادثه آبادان ننگی است بر دامن اقتصادرانت محور حاکم بر ما. آوار شدن متروپل که خسارات جانی جبران ناپذیری آفرید و تعدادی از هموطنان عزیز ما را به کام مرگ کشاند، قلب‌ها را به درد آورد و خانواده‌هایی را عزادار کرد. در میان کشته شدگان بی‌گناه آبادان جناب صیداوی از معلمان فداکار نیز جان باختند. آبادان عزیز، ما را در غم خود شریک بدانید. خانواده محترم صیداوی و معلمان شریف آبادان تسلیت.

پنجم خرداد ماه ۱۴۰۱

جمع کثیری از فرهنگیان و مطالبه‌گران به سوگ نشسته‌ی خوزستان

مردم شریف و گرانقدر و فهیم آبادان ضایعه‌ی غمبار درگذشت ناگهانی جمعی از فرزندان این سرزمین که حاصل بی‌توجهی و ناکارآمدی حکام و مسئولان

ساختمان متروپل آبادان

بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران
کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران
جان باختن و معجروح شدن جمعی از هموطنان ساکن آبادان در نتیجه فرو ریختن ساختمان متروپل در دوم خرداد ماه را خدمت خانواده‌های داغدار، هموطنان آبادان و خوزستان تسلیت گفته و برای بازماندگان صبر و شکیبایی خواهانیم. این حادثه نتیجه قدرت سرمایه و سود جهت منفعت طلبی بیشتر بود که نمی‌توان آن را آخرین حادثه‌ای از این زنجیره نامید.

امیدواریم قوه قضائیه همه افرادی را که در این حادثه به علت منفعت طلبی و سهل‌انگاری نقش داشته‌اند شناسایی و محاکمه نماید، تا درس عبرتی باشد برای مافیای ساخت و سازی که نسبت به جان و مال شهروندان احساس مسئولیت ندارند.

بیانیه‌ی انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز و زیویه) برای فاجعه‌ی متروپل آبادان

«آفتدر عزا بر سرمان ریخته‌اند که فرصت زاری نداریم»
در آستانه‌ی سالروز آزادی خرمشهر،

فاجعه‌ای دیگر مردم این منطقه، در شهرستان آبادان را داغدار کرد و بار دیگر به یادمان آورد، آنچه پس از ویرانی به انتظارش هستیم، نه «آبادانی»، بلکه «ویرانی» دوباره است. فاجعه‌ی #متروپل در آبادان، یادآور هزاران حادثه‌ی دردناک دیگر است که با سرسوزنی عقلانیت و تدبیر و مدیریت صحیح، قابل پیشگیری بودند. همین امروز در استان کردستان، همه روزه منتظر فرو ریختن مجتمع‌های تجاری هستیم که در شهرستان‌های بانه، مریوان و سقز به صورت غیر اصولی ساخته شده‌اند. ساختمان‌هایی که قرار بود توسعه اقتصادی به دنبال داشته باشند، استان ما را چندین قدم به عقب برگردانند و علاوه بر این هراس فرو ریختن آنها به کابوس خانواده‌هایی تبدیل شده که عزیزانشان برای یافتن لقمه‌ای نان در آنجا مشغول به کارند، هستند.

مدیران و تصمیم‌گیران کشور ما به جای این که به فکر راهی اصولی برای پیشگیری فجایعی از این دست باشند، ترجیح می‌دهند با پرونده سازی برای کسانی که دغدغه‌ی آبادانی کشور را دارند صدای ایشان را ساکت نگه دارند. معلمان در اهواز، بهبهان، بوشهر و سایر شهرهای

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه خود را ماتم غیرقابل جبران مردم آبادان سهیم می‌داند!



یابیم. شادی سازماندهی شده همایش "سلام فرمانده" در تهران و سایر استان‌ها را آبادان و نفرت پراکنی جدایی قومی می‌شناسیم.

ما کارگران سندیکایی نیشکر هفت تپه، خود را در همدردی و هم‌نویی مردم آبادان و همه خانواده‌هایی سهیم می‌دانیم که با غمی جانفرسا و مصیبت بار هنوز که هنوز است ازدوم خرداد تا به این سو، به دنبال عزیزانشان زیر خروارها آوار فرو ریخته می‌گردد و هیچ مقام مسئولی نیز پاسخگوی آنان نیست و در این رخداد جگر خراش تنها این مردم آن‌که به کمک و یاری عزیزان خود شتافته‌اند!

ما برانیم غم مردم آبادان، غم ما کارگران هفت تپه هم است. این درد مشترکی است که با کنار هم بودن درمان می‌یابد.

۸ خرداد ۱۴۰۱

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

راتخواز را از سر خود و می‌کنند تا آنان در بی‌مسئولیتی و بی‌درایتی چشمگیر حادثه آفرینند و چشمان مردم را اشکبار نمایند! مردمی که در برابر مدیریت و بی‌مسئولیتی، همه دست اندرکاران استان و شهرستان، درمانده و بی‌صدایند و همچنان فریاد دادخواهی سر می‌دهند. برای ما کارگران روشن است که این حادثه نتیجه قدرت سرمایه و سودبری و منفعت طلبی مشتکی ارازل و اوباش مال اندوزی است که به پشتوانه ریزنی و دست و دل بازی کسانی که درکل استان، چنین نکبتی را بر جامعه آبادان وارد ساختند. مافیای ساخت و سازی که نسبت به سلامت جان و هستی شهروندان هیچ احساس مسئولیت انسانی در خود نمی‌بیند.

ما درگذشت همه ساکنان سازه متروپل آبادان و داغ وارده بر خانواده آنان را به سان ترکش خمپاره جنگ هشت ساله برجان و تن مردم زحمتکش خوزستان می‌شناسیم و آنرا بار دیگر به عینه داغ آتش افروزی سینما رکس آبادان، بر جان خسته و غمزه آبادان و ایران عزادار و اندوهبار می‌شناسیم و خود را در کنار همه آنان می‌

شبکه‌های مجازی دست به دست می‌گردد.

این جنایت مرگ آفرین در واری علت بروز حادثه متروپل آبادان، نشانگر فساد گسترده میان مالک ساختمان، پیمانکار، ناظر و دستگاه‌های اداری استانداری-شهرداری-شورای شهر و بخش واگذاری معجز ساختمان و همه و همه... مسئول اند که باید به طور جدی با آن‌ها برخورد شود تا اینگونه حوادث ناگوار تکرار نشود. بگمان ما این سطح جرم انگاری در برابر چشمان مردم، قطعا جرم آن دسته از مسئولینی است که قصور بازگذاشتن دست امثال حسین عبدالباقی را مهیا ساخته‌اند. ما برآنیم در جامعه ما عبدالباقی‌ها یک شبه رشد نمی‌کنند و بالا کشیده نمی‌شوند و سازه متروپل نیز یک شبه بالا نمی‌رود بلکه این گونه سازه‌های ناپایدار که جان و هستی مردم را به تباهی می‌کشند و مردمی را داغدار می‌سازند، حاصل سال‌ها دزدی و چپاول، چشم فرو بستن دست اندرکاران حکومتی و بسان شتردیدی، ندیدی کسانی است که وظیفه برخورد با متخلف زمیخوار و

مردم شریف و زحمتکش آبادان!

فساد ناشی از تباهی و زخم بجا مانده از مرگ فزاینده مردم در آتش افروزی «سینما رکس» (آبادان) که مردم به ناگزیر برای فرار از مهلکه به طرف درهای خروجی روی آوردند، ولی درها بسته شده بود و حدود ۴۲۰ نفر به هنگام تماشای فیلم "گوزن‌ها" در میان شعله‌های آتش جان باختند. آن زخم تا به امروز با شماس، جنگ و خانه خرابی مردم و دهها درد بی‌درمان دیگری که در این چهار دهه با شما مردم گذشت تا با حادثه دردناک افروزی ساختمان متروپل آبادان روبرو شدیم.

آنچه در بیش از چهاردهه پیش در این شهر حادث شد (آتش سوزی سینما رکس) و آنچه امروز بروز کرد (افروزی سازه متروپل) و ناکارآمدی جنایت حسین عبدالباقی از یک جنس نیست. جنایت پیشین در دل درهای بسته سینما و بدور از چشمان مردم و جنایت امروز با توجه به همدارهای مکرر، در برابر چشمان مردم شهر رُخ داد و تا به امروز دهها و صد ها فیلم و گزارش از این جنایت در سطح

ابراز همدردی و حمایت سندیکای کارگران شرکت واحد از جانب‌اختگان افروزی متروپل و مردم معترض خوزستان و دیگر شهرهای کشور

دستگاه مدیریتی در بستر فساد ساختاری، عامل ویرانی محیط زیست، تخریب و افروزی پل‌ها، ساختمان‌ها و سدها و غارت منابع پروژه‌های عمرانی است. در شرایط رکود شدید اقتصادی، مشکلات اسفبار معیشتی، گرانی‌های کمرشکن و عدم پاسخگویی به مطالبات مردم، که به اعتراضات مستمر کارگران، معلمان، بازنشستگان و فرودستان در دهها شهر کشور منجر شده، تبعیض، رانت و فساد گسترده عوامل دولتی و حکومتی و ناتوانی در اداره کشور هم زندگی مردم را سیاه تر و تباه تر کرده است.

در تمام ناکارآمدی‌ها و پیشامدهای بحران‌زا که منجر به مرگ دهها تن از شهروندان و هموطنان میشود تاکنون نه تنها محکومیت مسئولی را ندیده‌ایم بلکه

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، تاسف عمیق خود را از مرگ مظلومانه شهروندان در جریان ریزش ساختمان متروپل و همچنین مراتب همدردی با خانواده‌های جانب‌اختگان و آسیب دیدگان را اعلام می‌دارد. ما از اعتراضات برحق مردم خوزستان و دیگر شهرهای کشور علیه بی‌تدبیری و بی‌کفایتی مسئولان و مجریان دولتی و حکومتی حمایت می‌کنیم

این اولین مورد از ناکارآمدی مدیران فاسد و رانتی دولتی و حکومتی نیست و متأسفانه آخرین آن هم نخواهد بود. محصول اجتناب ناپذیر فساد ساختاری، رانت خواری و سفته‌پروری، گروه‌های مفسدان ریاکار و نابکار و بی‌تخصص است.

از صفحه ۸

سازمان ملی حمایتی...

هستند در زندان به سر می‌برند و با اتهامات واهی رو به رو هستند. از مسئولین می‌پرسیم اگر بودجه‌ای که صرف سرکوب جنبش مسالمت آمیز و قانونی معلمان و کارگران می‌کنید برای توسعه اقتصادی خوزستان و کردستان هزینه می‌کردید چه می‌شد؟

انجمن صنفی معلمان کردستان (سقر و زیویه)، نهایت همدردی خود را با خانواده جانب‌اختگان فاجعه متروپل آبادان ابراز کرده و خواهان رسیدگی دقیق به این رویداد تلخ است. ششم خرداد ۱۴۰۱

این منطقه همواره ندای حق طلبی سرداند و صدایشان شنیده نشد. بدیهی است که وقتی صدای معلمان سرکوب شود، صدای امثال «عبدالباقی»‌ها و نتیجه‌ی اعمال آنها جامعه را به عزا می‌نشانند. همین امروز صدا و سیما به طور مرتب در حال انتشار گزارش‌هایی نخ‌نما در خصوص معلمان و کارگران است. آقایان اسکندرلطفی، مسعودنیکخواه، شعبانمحمدی، رسول بدائی، جعفر ابراهیمی، محمدحبیبی معلمان دلسوز، و آقای رضاشهابی و سایر دوستانشان که فعالین کارگری متعهدی

حتی یک عذرخواهی ساده هم نشنیده ایم؛ درعوض توصیه و سفارش در جهت پنهان کاری و عدم شناسایی مقصرین و صرف هزینه‌های سنگین برای تبلیغات دروغ بسیار شنیده‌ایم.

مردم خوزستان با وجود داشتن منابع سرشار از محروم ترین استان‌های کشور بحساب می‌آیند. خوزستان آب ندارد! هوا ندارد! کشاورزی اش را نابود کرده

محاکمه همه مسببان کشتار "متروپل" فقط در صلاحیت مردم است! عزا و ماتم باز هم در خوزستان و آبادان و دهان کثا و مسئولین!

با تسلیت به مردم آبادان؛ با تسلیت به مردم خوزستان.

اما به خاطر رابطه اش با بیت رهبری هنوز باقی مانده و به عبدالباقی کمک میکند که فرار کند. به دروغ میگوید که این جنایتکار مرده است.

منتظری کیست؟ از طریق فرزنداناش در غارت خوزستان مشغول چریدن است. با پشت گرمی به بیت رهبری این کارها را میکند. اگر راست میگوید حساب های مالی پسران لاشخور منتظری را رو کند تا ارتباطش با منطقه آزاد و شخص عبدالباقی معلوم شود. اینکه محسن رضایی این جغد منحوس و مسئول کشتار هزاران هزار جوان ما، شریک مالی عبدالباقی بوده و اینکه شمخانی که بزرگترین ناو کشتیرانی اقتصادی را از اموال ما برای خودش درست کرده قوم و خویش نزدیک عبدالباقی است و اینکه همه مقامات دستی در جیب عبدالباقی داشته اند دیگر بحثی جدید نیست.

همه مقامات از بالا تا پایین در فاجعه آبادان نقش داشته اند. عزا و ماتم ما به خاطر حادثه و غفلت نیست، به خاطر این حاکمیت فاسد و سرکوبگر است که مشغول چپاول تمام ثروت های کشور است و جان ما کوچکترین ارزشی برایشان ندارد. از دادستان فاسد منتظری میخواهیم در این عزا و ماتم به طور کلی خفه خون مرگ بگیرد و دهان گشادش را ببندد. روزی فرا خواهد رسید که منتظری و نزه غول های لاشخورش جواب پس بدهند. اگر حالا وقت اعتراض نیست چه وقت است؟ بر سر و سینه زدن ها را مشت گره کرده کنیم و اعتراض کنیم. برگرفته از کانال مستقل کارگران هفت تپه

سیاست سانسور و تحریف اخبار و پنهانکاری شده است. شاهدیم که در شعارهای مردم معترض هم انزجار از این سناریو سازی های صداوسیما کاملاً به چشم میخورد. سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن ابراز همدردی با خانواده های جانباخته و مردم ستم دیده آبادان اعلام میدارد با فریب کاری و پنهان کاری هرگز نمیتوانید صدای دردمندان و ستم دیدگان را خاموش کنید. (از مدیای اجتماعی)

باز هم مفت خوران و غارتگران جان عزیزان ما را گرفتند. کارآفرین نامشان را میگذارند که بزکشان کنند! کارآفرین چیزی نیست جز زالوی خونخوار! همراه و همدست اینها تمام مقامات مملکت از بالا تا پایین هستند. از بیت رهبری شروع کن تا قوای سه گانه. بگذارید دلیل بیاورم. امروز دادستان کل کشور منتظری فاسد اعلام کرد که صاحب این برج ها واقعا مرده است! این بزرگترین سند است که عبدالباقی زنده است چون این منتظری الا به دروغ گفتن و کذب پراکندن دهان باز نمیکند مخصوصاً چون همیشه سودی در این ماجراها دارد.

منتظری کیست؟ فرزنداناش مفت خوران اختلاسگر و رشوه خواری بودند که با همراهی استانخوار قبلی خوزستان یعنی شریعتی با اسدیگی ها همدست بودند و میلیون ها دلار رشوه گرفتند! خاندان منتظری به اندازه بودجه یک استان از اسدیگی رشوه گرفت. منتظری به دادستان خوزستان و شوش دستور بازداشت کارگران هفت تپه را میداد و بعد هم مصاحبه میکرد و کارگران را متهم به اقدام علیه امنیتی ملی میکرد و علناً از اسدیگی دفاع میکرد. بعد از اینکه اسدیگی به بیست سال زندان محکوم شد پادرمیانی کرد که اسدیگی به زندان نرود.

منتظری کیست؟ از قوم و خویشان نزدیک مقامات مهم در بیت رهبری. دو پسر نزه غول مفت خور و لاشخورش دامادهای یکی از مقامات امنیتی در بیت رهبری است. منتظری باید در اردیبهشت ماه بازنشسته میشد و گورش را گم میکرد

اتهامات واهی (جاسوسی) و ارتباط با بیگانگان از شبکه های مختلف سیما پخش و در واقع اقدام به انتشار اخبار کذب و دروغ کرده است.

فراگیری نظام دروغ و سانسور گزارشات مربوط به فروریزی برج متروپل و جان باختن عده ای از شهروندان و اعتراضات بحق مردم آبادان و حمایت گسترده مردم در شهرهای مختلف کشور را هم شامل شده و این خبرها قربانی همان

اند. در نتیجه حکومت با همه ساختارهایش و مردم با همه خشم و نفرت شان روبروی هم به صف شدند. این حق مردم و یک ضرورت تاریخی است که مسببان و قاتلان کشتار عامدانه عزیزان شان را با همه هشدارها، شواهد و مستندات غیر قابل انکار محاکمه کنند و اما نه توسط کسانی که خود بخشی از ماجرا هستند.

مردم میتوانند و باید به قدرت نیروی اجتماعی شان همه مسببان چنین کشتاری را به دادگاه و محاکمه علنی و واقعی بکشانند! این دادگاه تنها میتواند به پشتوانه خواست و حضور منسجم مردم آبادان صورت گیرد و البته پشتوانه محکمی چون اعتصاب متحدانه و یکپارچه پالایشگاه و پتروشیمی و بنادر و معلمان و کارمزدی پروژه ای و هر لایه اجتماعی لازمست که پشت این خواسته بایستند.

نمیتوان باز هم به انتظار تاریخ نشست. همین امروز باید مسببان کشتار مردمان را به محاکمه کشید. باید تبعات چنین فاجعه ای را بر دوششان گذاشت، قبل از آنکه "پلاسکو"، معدن یورت و متروپل و.... دوباره و دوباره تکرار شوند! #نه_میخیشیم_ونه_فراموش_میکیم شورای بازنشستگان ایران-۷ خرداد برگرفته از مدیای اجتماعی

و ابزار سرکوب در صدد خاموش کردن صدای خانواده های جانباخته و مردم پیا خواسته آبادان و دیگر شهرهای خوزستان و کشور هستند. و طبق روال همیشگی پاسخ هر اعتراضی را با گلوله و باتوم و گاز اشک آور میدهند.

صدا و سیما هم فقط و فقط با سانسور و یا با برنامه های تحقیر آمیز درصدد کم رنگ تر کردن عمق فاجعه و ناکارآمدی دستگاه مدیریت و فراقکنی مشکلات است. در همین هفته های گذشته صداوسیما باز هم با روش های فریب کارانه، اسامی و تصاویر تعدادی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و فعالان معلمان و حامیان کارگران را بدون اینکه در دادگاهی محکوم شده باشند با

فاجعه "متروپل" درحقیقت شهری را زنده به گور کرد، این اغراق نیست، میلیونها نفر را به عزا که نه، به خشم کشاند. دیدیم که از بوشهر تا بهبهان، از اهواز تا شاهین شهر، مردم با دلی خونین به خیابان ریختند و بدنهایشان به خشم و اعتراض زبان گشود.

دولت و حکومت بعد از ۳ روز کم توجهی و حتی برگزاری جشن "فرماندهی"، بدون حتی تسلیت بهنگام، طبق گفته رییس صدا و سیما فرمان آمد که دیگر بس ست. جمعش کنید.

این برخورد فقط از شرکای جرم انتظار می رود نه مدعیان مسئولیت در قبال جان مردم. قضاوت اینکه همه شان در چنین فاجعه ملی دست دارند و مسبب کشتار مردم اند، فضای غالب افکار عمومی ست.

میپرسیم چرا از همان اولین دقائق آوار فاجعه، ماشین جنگی و ساختارهای تعمیق و سرکوب ش را علیه مردم به خط کرد. تا همینجا دو واقعیت روشن و قطعی ست:

اول اینکه مردم خود حکومت را مقصر اصلی میدانند! محاکمه یک پیمانکار و یک شهر دار یعنی توهین به شعور اجتماعی مردم.

دوم اینکه، حکومت میدانند این فاجعه به خودش متصل است و مردم هم فهمیده

ابراز همدردی و ...

از صفحه ۹

اند، و ضربات سنگین به اشتغال وارد نموده اند. شهرها اسیر مدیریت فاسد و مدیران غارتگر رانتی در چنبره مشکلات پیچیده گرفتار آمده اند. از میوه های تلخ همین فساد و رانت گسترده در کشور، ساخت برج های دوقلو متروپل آبادان به دست کسانی است که تنها گزینه اعتبار و کارنامه کاریشان داشتن روابط قوی با مسئولین حکومتی و دولتی است و بنابر همین دلایل استناداری و شهرداری و تمام مسئولین ذریبط شهر آبادان چشمشان را بروی غیراستاندارد بودن ساخت این برج ها بسته بودند و امروز هم با تمام امکانات

نامه سرکشاده معلمان و کارگران ایران به شرکت کنندگان در یکصد و دهمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار، ژنو، ۲۷ ماه مه الی ۱۱ ژوئن ۲۰۲۲



تأکید است که متأسفانه اتحادیه‌های کارگری مستقل ایران در کنفرانس بین‌المللی کار نماینده‌ای ندارند و نمایندگان «اتحادیه‌های کارگری» شرکت کننده از ایران، دولت ساخته هستند.

دولت ایران باید فوری و بدون قید شرط تمام معلمان زندانی و فعالان تشکل‌های مستقل کارگری که از روز جهانی کارگر بدین سو بازداشت شده‌اند را آزاد کند: رسول بدایق، اسکندر لطفی، رضا شهابی، جعفر ابراهیمی، حسن سعیدی، آیشا اسداللهی، ریحانه انصاری نژاد، محمد حبیبی، کیوان مهتدی، شعبان محمدی، مسعود نیکخواه، رضا امانی‌فر، هادی صادق زاده، محمد عالیشوندی، اصغر-امیرزادگان، مهرداد یغمایی، افشین رزمجو، غلامرضا غلامی‌کندازی، حمید عباسی، عبدالرزاق امیری، محمدعلی زحمتکش، محسن بهرامی، مرتضی محمدی و بسیاری دیگر چون هاشم خواستار که سال‌هاست در زندان است و علی‌رغم بیماری و کهولت سن، حتی به او مرخصی درمانی نمی‌دهند علاوه بر این، ما اکیدا خواستار پایان حبس و آزارواذیت سایر فعالان صنفی و کارگری، که در حال گذراندن دوران محکومیت خود هستند، می‌باشیم، از جمله معلم زندانی اسماعیل عبدی، که بعد از اتمام یک دوره زندان ۶ ساله اکنون در حال گذران یک زندان ده ساله دیگر که در سال ۸۹ متهم شده است، و هاشم خواستار، که سال‌ها در زندان به سر می‌برد و با وجود بیماری و کهولت سن حتی مرخصی استعلاجی به او نمی‌دهند. همچنین احکام و اتهامات علیه زنان معلمی که پیش از این به دلیل اعتراض به سیاست‌های آموزشی دولت کماکان در زندان به سر می‌برند باید لغو و آنها فوراً آزاد گردند، از جمله: زینب هم‌رنگ، عالیه اقدم دوست، هاله صفرزاده، ناهید فتحعلیان، نصرت. بهشتی، معصومه عسکری و مژگان باقری.

ما امضا کنندگان این نامه هم‌چنین و به طور مشخص از هیات‌های کارگری شرکت کننده در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار درخواست داریم موارد فوری زیر را به صورت ویژه دردستورکار اجلاس قرار داده و مصراحتاً تقاضا داریم که در راستای تصویب و اجرایی کردن آن‌ها تمام

این نقض حقوق بدیهی یک امر بسیار اضطراری ست زیرا از یازدهم اردیبهشت ماه و روز جهانی کارگر به این سو، تعدادی از فعالین صنفی و مردم متعرض، بازداشت شده، تحت بازجویی قرار گرفته و به موارد جدی اما کاملاً بی پایه ای همچون اقدام علیه امنیتی ملی متهم شده اند فقط به این دلیل واضح که دولت ایران می‌خواهد جنبش مستقل کارگری و صنفی در ایران و اعتراضات برحق مردم زحمتکش و تحت ستم را خاموش کند. موارد نقض حقوق بدیهی و پایه ای کارگری و صنفی درحالی توسط دولت ایران اجرا می‌شود که این دولت عضوی از هیات مدیره سازمان جهانی کار است.

تعداد زیادی از اعضای قانون‌های صنفی معلمان، اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، و همچنین اعضای سایر تشکل‌های مستقل کارگری و صنفی و نیز مردم معترض در ماه‌ها و روزهای اخیر به علت فعال بودن در فعالیت‌های مشروع و قانونی کارگری و صنفی تحت بازداشت و یا حبس و بازپرسی قرار گرفته‌اند. ما از هیات‌های نمایندگی شرکت کننده در اجلاس می‌خواهیم که سرکوب تشکل‌های مستقل صنفی و کارگری و اعضای آنها توسط دولت ایران را محکوم کنند. از نمایندگان حاضر در کنفرانس بین‌المللی کار می‌خواهیم که اعتراض خود را نسبت به این اقدامات سرکوب‌گرانه به هیات‌های نمایندگی دولت ایران که در اجلاس حضور دارند اعلام کنند و از دولت ایران بخواهند که اقدامات لازم برای آزادی فوری و بی قید و شرط تمام معلمان دستگیر شده، فعالین کارگری بازداشتی و معترضان بازداشت شده، را در دستور کار قرار بدهند و سرکوب کارگران و تشکل‌های مستقل کارگری و صنفی را پایان دهند و به حق پایه‌ای آزادی تشکل صنفی و کارگری طبق مقاله نامه‌های جهانی ۹۸ و ۸۷ و «بیانیه اصول و حقوق بنیادین در کار» احترام بگذارند و این حقوق را رعایت و اجرایی نمایند. لازم به

ما امضا کنندگان این نامه هیات‌های نمایندگی شرکت کننده در یکصد و دهمین اجلاس سازمان جهانی کار، به خصوص هیات‌های نمایندگی کارگری-صنفی را مورد خطاب قرار می‌دهیم و توجه آن‌ها را به سرکوب‌های اخیر علیه معلمان و نمایندگان آن‌ها در کانون‌های صنفی و فعالان کارگری-صنفی در ایران جلب می‌کنیم.

طی سالیان گذشته، به خصوص در ماه‌های اخیر سیاست‌های اقتصادی دولت ایران، فقر و فلاکت گسترده‌ای را برای عموم مردم، به‌ویژه برای مزدبگیران و کارگران ایجاد کرده‌است. این مساله باعث ایجاد فاصله‌ی طبقاتی گسترده و کوچک شدن سفره‌ی معیشتی عموم مردم شده و نهایتاً منجر به اعتراضات عمومی شده‌است. جای تاسف است که آن‌ها، به‌جای پاسخ مناسب و حل مشکلات، به این اعتراضات قانونی، واکنش‌های تند نشان داده و پاسخ آن‌ها چیزی جز سرکوب گسترده نبوده است. یکی از وجوه مختلف این سرکوب‌ها حمله و بازداشت علیه فعالین شناخته شده صنفی، معلمان، کارگران و بسیاری از زحمتکش‌ان معترض بوده است. اخیراً نیز طی یک سناریوی کاذب و پوشالی از صدا و سیما دولتی «شبه گزارشی» علیه فعالین شناخته شده معلمی و کارگری که نمایندگان قانونی و مورد قبول اصناف خود هستند منتشر شد. در این «شبه گزارش» طی تلاشی مذبوحانه و نخ نما، تلاش شد فعالین صنفی ایران را به همکاری با «جاسوسان» خارجی متهم کنند. انتشار این سناریوسازی حکومتی علیه فعالین صنفی بلافاصله با موجی از اعتراض و انزجار در سراسر ایران مواجه شد.

ما از هیات‌های نمایندگی شرکت کننده در این اجلاس درخواست داریم که اقدام دولت ایران در نقض فزاینده حقوق کارگران و معلمان و به خصوص نقض حق تشکل‌یابی مستقل و نیز نقض حق تظاهرات مسالمت آمیز را محکوم کنند.

تلاش خود را به کار بندند:

الف) رفع فوری و بی‌قید و شرط تمامی اتهامات منتسب شده به تمامی فعالین صنفی محبوس در ایران و آزادی تمامی دستگیر شدگان.

ب) ملزم کردن دولت ایران به احترام به حقوق بنیادین کارگران و معلمان و مزدبگیران در زمینه آزادی ایجاد و یا پیوستن به تشکل مستقل صنفی و کارگری، احترام و رعایت حق آزادی بیان و حق تجمع مسالمت‌آمیز بدون بیم و هراس از دخالت نیروهای امنیتی.

ج) بررسی و اقدام در مورد اعزام هیاتی بین‌المللی تحت هماهنگی گروه کارگری سازمان جهانی کار و فدراسیون‌های بین‌المللی اتحادیه‌ای، جهت بررسی شرایط نیروی کار در ایران، نشست با تشکل‌های مستقل صنفی و دیدار از فعالین صنفی زندانی در ایران و خانواده‌های آن‌ها.

د) تقاضای اخراج نمایندگان دولت‌ساخته‌ی ایران از هیئت مدیره سازمان جهانی کار و عدم حمایت از انتخاب مجدد آن‌ها در این هیات مدیره به دلیل نقض مداوم مقوله نامه‌های بین‌المللی و عدم پاسخگویی نسبت به سرکوب مداوم تشکل‌ها و فعالین اتحادیه‌ای و صنفی در ایران.

فوری! استقبال کم نظیر از طومار اعتراضی معلمان و کارگران ایران!

به نقل از کانال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان ایران:

بیش از سه هزار نفر با امضای خود، از معلمان و کارگران زندانی حمایت کرده‌اند

شهلا دانشفر طومار اعتراضی معلمان در ایران خطاب به سازمان جهانی کار

وسیعاً از این اقدام حمایت و پشتیبانی کنیم



معلمان با تاکید اینکه اتحادیه‌های کارگری مستقل ایران در کنفرانس بین‌المللی کار نماینده‌ای ندارند، نمایندگان «اتحادیه‌های کارگری» شرکت کننده از ایران در این اجلاس را نمایندگان تشکلهای دولت ساخته میخوانند.

در خاتمه معلمان با اشاره به لیستی از معلمان و کارگران بازداشتی از روز جهانی کارگر بدین سو، خواستار آزادی فوری و بدون قیدو شرط همه آنها شده و می‌نویسند: «ما امضا کنندگان این نامه هم‌چنین و به طور مشخص از هیات‌های کارگری شرکت کننده در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار درخواست داریم موارد فوری زیر را به صورت ویژه در دستورکار اجلاس قرار داده و مصرانه تقاضا داریم که در راستای تصویب و اجرایی کردن آن‌ها تمام تلاش خود را به کار بندند:

الف) رفع فوری و بی‌قید و شرط تمامی اتهامات منتسب شده به تمامی فعالین صنفی محبوس در ایران و آزادی تمام دستگیر شدگان.

ب) ملزم کردن دولت ایران به احترام به حقوق بنیادین کارگران و معلمان و مزدبگیران در زمینه آزادی ایجاد و یا پیوستن به تشکل مستقل صنفی و کارگری، احترام و رعایت حق آزادی بیان و حق تجمع مسالمت‌آمیز بدون بیم و هراس از دخالت نیروهای امنیتی.

ج) بررسی و اقدام در مورد اعزام هیاتی بین‌المللی تحت هماهنگی گروه کارگری سازمان جهانی کار و فدراسیون‌های بین‌المللی اتحادیه‌ای، جهت بررسی شرایط نیروی کار در ایران، نشست با تشکل‌های مستقل صنفی و دیدار از فعالین صنفی زندانی در ایران و خانواده‌های آن‌ها.

د) تقاضای اخراج نمایندگان دولت‌ساخته‌ی ایران از هیئت مدیره سازمان جهانی کار و عدم حمایت از انتخاب مجدد آن‌ها در این هیئت مدیره به دلیل نقض مداوم مقوله نامه‌های بین‌المللی و عدم پاسخگویی نسبت به سرکوب متداوم تشکلهای و فعالین اتحادیه‌ای و صنفی در ایران

انتشار طومار اعتراضی معلمان و فعالین کارگری خطاب به شرکت کنندگان در سازمان جهانی کار یک اقدام مهم و

های نمایندگی شرکت کننده در این اجلاس محکوم کردن دولت ایران در نقض فزاینده حقوق کارگران و معلمان و به خصوص نقض حق تشکل یابی مستقل و حق اعتراض است. و با تاکید بر اضطراری بودن این درخواست در ادامه آن چنین آمده است: «این نقض حقوق بدیهی یک امر بسیار اضطراری ست زیرا از یازدهم اردیبهشت ماه و روز جهانی کارگر به این سو، تعدادی از فعالین صنفی و مردم متعرض، بازداشت شده، تحت بازجویی قرار گرفته و به موارد جدی اما کاملاً بی پایه ای همچون اقدام علیه امنیتی ملی متهم شده اند. فقط به این دلیل واضح که دولت ایران میخواهد جنبش مستقل کارگری و صنفی در ایران و اعتراضات برحق مردم زحمتکش و تحت ستم را خاموش کند. موارد نقض حقوق بدیهی و پایه ای کارگری و صنفی درحالی توسط دولت ایران انجام می شود که این دولت عضوی از هیات مدیره سازمان جهانی کار است.»

معلمان در ادامه طومار اعتراضی خود همچنین با اشاره به دستگیری تعداد زیادی از اعضای کانون های صنفی معلمان، اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، و اعضای سایر تشکل های مستقل کارگری و صنفی و مردم معترض در ماه ها و روزهای اخیر به علت پیگیری خواستها و مطالباتشان و قراردادن آنها تحت بازداشت و یا حبس و بازپرسی، از هیات های نمایندگی شرکت کننده در اجلاس خواستار محکوم کردن سرکوب تشکل های مستقل صنفی و کارگری و اعضای آنها توسط دولت ایران شده و فشار آوردن به دولت ایران برای آزادی فوری و بی قید و شرط تمام معلمان دستگیر شده، فعالین کارگری بازداشتی و معترضان بازداشت شده و پایادن دادن به سرکوب کارگران و تشکل های مستقل کارگری و صنفی و احترام به حقوق پایه ای آزادی تشکل طبق مقوله نامه های جهانی ۹۸ و ۸۷ و «بیانه اصول و حقوق بنیادین در کار» و رعایت آن شده اند. در همانجا

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران و شمار دیگری از تشکل های صنفی طوماری اعتراضی خطاب به شرکت کنندگان در یکصد و دهمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار (ILO) که در ۲۷ ماه مه آغاز میشود نوشته اند، و توجه نمایندگان کنفرانس را به سرکوب های اخیر حکومت علیه معلمان و نمایندگانشان در کانون های صنفی و فعالان کارگری صنفی در ایران توجیب کرده و خواستار محکوم کردن اقدام حکومت در نقض فزاینده حقوق کارگران و معلمان شده و اخراج نمایندگان حکومت اسلامی از هیات مدیره سازمان جهانی کار را خواستار شده اند. این یک اقدام مهم از سوی تشکلهای معلمان است و باید وسیعاً مورد حمایت همه معلمان و کارگران قرار گیرد.

در بخش مقدماتی این طومار اعتراضی معلمان با اشاره به سیاست های اقتصادی دولت ایران طی سالیان گذشته، به خصوص در ماه های اخیر، با اشاره به فقر و فلاکت گسترده ای که برای عموم مردم، به ویژه برای مزدبگیران و کارگران ایجاد شده، با اشاره به فاصله طبقاتی گسترده و کوچک شدن سفره معیشتی مردم و نیز با اشاره به اعتراضات مردمی در نتیجه این سیاستها، سیاست سرکوبگرانه حکومت را محکوم میکنند. بعنوان یکی از وجوه این سرکوب ها، طومار مزبور به تشدید فشارهای امنیتی علیه فعالین شناخته شده صنفی، معلمان، کارگران و بسیاری از مردم معترض و دستگیریها، بویژه سناریوی کذب و پوشالی اخیر که از صدا و سیما دولتی علیه فعالین شناخته شده معلمان و کارگران پخش شد، اشاره میکند و چنین میگوید "در این "شبه گزارش" طی تلاشی مذبحانه و نخ نما، تلاش شد فعالین صنفی ایران را به همکاری با "جاسوسان" خارجی متهم کنند." و بعد با اشاره به موج وسیع اعتراض در پی انتشار این سناریوسازی مسخره و نفرت انگیز حکومتی خواست معلمان در این طومار اعتراضی از هیات

جهت دهنده است، و صدای اعتراض همه کارگران و مردم علیه سرکوبگری های حکومت میباشد. این حرکت یک پیشروی بزرگ در جنبش کارگری در جلب همبستگی جهانی کارگری است. باید از این طومار وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد. در همین راستا "قری دم ناو" کمپین برای آزادی کارگران در ایران طی نامه ای به اتحادیه های کارگری در سراسری جهان، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی معلمان زندانی، کارگران دربند و زندانیان سیاسی، پایان دادن به پرونده سازی های امنیتی و خاتمه اعلام شدن تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده تا کنونی شده است. فری دم ناو با تاکید به اینکه حکومت اسلامی نماینده کارگران و مردم نیست بلکه سرکوبگر مردم است بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی و اخراج آن از تمامی مراجع بین المللی از جمله از سازمان جهانی کار تاکید کرده است. کمپین از تمام اتحادیه های کارگری و نهادهای بین المللی خواستار این شده است که به نهادی چون سازمان جهانی کار که همواره با حکومت هایی مثل حکومت اسلامی مماشات کرده است فشار بیاورند و با حکومت ایران همانگونه رفتار شود که در قبال حکومت نازیست هیتلری و دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی شد. ما با همین گفتمان هر ساله با حضور خود تلاش کرده ایم اجلاسهای سازمان جهانی کار را به محل اعتراض علیه حضور جمهوری اسلامی تبدیل کرده و صدای اعتراض کارگران و مردم ایران باشیم. امسال نیز به زانو خواهیم رفت و در آکسیون اعتراضی ای که در در نهم ژوئن در برابر اجلاس سازمان جهانی کار برگزار خواهد شد شرکت خواهیم کرد.

Islamic Regime of Iran out of ILO
Free Them now

- به حضور حکومت اسلامی در کفرانس آی ال او اعتراض کنید!

- هیئت رژیم اسلامی ایران را تحریم کنید

- خواهان آزادی تمامی کارگران و معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی در ایران شوید!

- خواهان اخراج رژیم اسلامی ایران از سازمان بین المللی کار شوید!

و انزوای بین المللی مواجه شد، رژیم آپارتاید جنسیتی و نقض فاحش حقوق کارگری و حقوق بشر در ایران نیز باید بایکوت شود. این رژیم باید از تمام نهادهای بین المللی و در درجه اول از سازمانی که نام کارگران را یدک می کشد اخراج شود.

با توجه به همه اینها از شما اتحادیه های کارگری می خواهیم که:

- به حضور حکومت اسلامی در کفرانس آی ال او اعتراض کنید!
- هیئت رژیم اسلامی ایران را تحریم کنید!

- خواهان آزادی تمامی کارگران و معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی در ایران شوید!

- خواهان اخراج رژیم اسلامی ایران از سازمان بین المللی کار شوید!

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (فری دم ناو!) ۱۵ مه ۲۰۲۲

Shahla.Daneshfar2@gmail.com
https://free-them-now.com

میان کارگران و مردم منفور است. این جریان نقش مستقیمی در قتل و سرکوب کارگران داشته و گرداندگانش از عناصر جنایتکار رژیم اسلامی هستند. با وجود همه اینها، ما شاهد اقدامی از سوی سازمان جهانی کار در قبال این وضعیت و در دفاع از کارگران ایران نیستیم.

سوال ما این است که چرا آی ال او در برابر این سیاست های ضد کارگری، ضد انسانی و جنایتکارانه جمهوری اسلامی در کشوری مثل ایران سکوت میکند؟ چنین رژیمی که در سرکوب و جنایت در جهان رکورد دارد، رژیمی که کارگران را دستگیر و زندانی میکند و حتی در مواردی شلاق زده است، نه فقط جایش در سازمان جهانی کار نیست بلکه باید دست اندرکارانش در دادگاههای بین المللی به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. این رژیم باید از سازمان بین المللی کار و از تمام نهادهای بین المللی اخراج شود. همانطور که رژیم آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی در قرن گذشته با بایکوت

به اتحادیه های کارگری جهان

حکومت اسلامی ایران باید از سازمان جهانی کار اخراج شود!

خطرناک، و تهدید جانی آنها - همه جنبه های مختلف شکنجه و خطر دائمی برای زندانیان سیاسی محسوب میشوند. قتل بکتاش آبتین نویسنده و شاعر آزادیخواه در سال گذشته یک نتیجه این سیاست بود. اکنون در پایان محاکمه حمید نوری در استکهلم و درخواست حبس ابد دادستان به دلیل مشارکت او در شکنجه و قتل تعداد زیادی از زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ در ایران، رژیم اسلامی برای اعدام پزشک دو تابعیتی ایرانی - سوئدی احمد رضا جلالی ضرب الاجل تعیین کرده است. برای رژیم اسلامی، گروگانگیری افراد دو تابعیتی وسیله ای برای باج گیری و اخاذی در سطح بین المللی است.

پروتنکل های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار در مورد آزادی تشکل و قراردادهای دسته جمعی است. اما کارگران در ایران نه تنها از حق تشکل محروم می شوند، بلکه در صورت اقدام به تشکل دستگیر و زندانی می شوند. پروتنکل های ۱۳۸ و ۱۸۲ در مورد ممنوعیت کار کودکان است. در ایران صدها هزار کودک در شرایط بسیار ناهنجار و ناامن و خطرناک کار می کنند.

به اصطلاح "خانه کارگر" که آی ال او آنرا عنوان نماینده کارگران در ایران برسمیت شناخته و عضو این سازمان هستند، یک سازمان حکومتی است و در

کنفرانس سازمان جهانی کار در پیش است و ما از شما می خواهیم که در این کنفرانس خواهان اخراج حکومت اسلامی ایران از سازمان جهانی کار شوید. حکومت اسلامی به دستگیری و آزار معلمان و فعالان کارگری شدت داده است. دستگیری های دسته جمعی و احکام سنگین زندان برای فعالان کارگری گسترش یافته است. معلمان و کارگران به دلیل اعتراضات و دفاع از حقوق پایه ای خود زندانی میشوند. بسیاری از فعالان و مدافعان حقوق کارگران، معلمان و کودکان با اتهاماتی نظیر "تهدید علیه امنیت ملی"، "اخلال در نظم"، "اجتماع و تبانی علیه نظام"، و "توهین به رهبری"، به زندان محکوم شده اند. در حال حاضر ۱۱ تن از دستگیر شدگان روز جهانی کارگر و ۲۵ نفر از معلمان، کارگران و مدافعان حقوق کارگران به همراه بسیاری دیگر از زندانیان سیاسی در زندان به سر می برند. همین امروز نیز با اوج گیری اعتراضات مردمی علیه فقر و گرانی دستگیری ها شدت گرفته است و بنا بر خبرها چندین نفر از معترضین به ضرب گلوله ماموران انتظامی حکومت به قتل رسیده اند.

از سوی دیگر در درون زندانها فشار بر کارگران و فعالان سیاسی زیاد است: محرومیت از دارو، بستن آب گرم، آزار و اذیت و شکنجه، نگه داشتن زندانیان سیاسی در یک مکان با زندانیان عادی و

نامه گلکیتو چند سندی کای فرانسوی به وزیر امور خارجه فرانسه در حمایت از کارگران و معلمان بازداشتی اخیر در ایران

اورید تا معیارهای مندرج در مقاله نامه های بین المللی، از جمله در مورد حق کار و حقوق بشر را مراعات کند. خواهشمندیم، خانم وزیر، احترامات فائقه ما را بپذیرید.

کنفدراسیون عمومی کار (س ژت) کنفدراسیون متحده سندیکایی (اف. اس. او) - اتحاد سندیکایی همبستگی (سولیدر) - سندیکاهای مستقل (او ان اس آ) (برگرفته از میزبان اجتماعی)

اصغر حجاب و هادی صادق زاده دیده می شود. برخی از آنان به دادگاه فراخوانده شده اند. در میان آنان شماری از معلمان دیده می شوند.

ما فکر می کنیم که وظیفه کشور ما است که خواهان آزادی فعالان سندیکایی دستگیر باشد. در نتیجه، ما از شما درخواست می کنیم که با استفاده از همه امکاناتی که در اختیار دارید، بر مقامات ایرانی فشار

به فرانسه دعوت شده است، هم چنین سندیکای س اف د ت از او برای شرکت در کنگره این سندیکا در ماه ژوئن امسال دعوت کرده است.

در میان زنان و مردان دستگیر شده که نام شان تا ۲۳ مه به دست ما رسیده، نام های انیسا اسدالهی، ریحانه انصاری نژاد، کیوان مهتدی، رسول بدافی، جعفر ابراهیمی، اسکندر لطفی، محمد حبیبی، محسن عمرانی، شبان محمدی، مسعود نیکخواه، محمود ملکی، رضا امانی فر،

خانم وزیر امور خارجه فرانسه، ما سازمان های سندیکایی مایلیم توجه شما را به دستگیر و زندانی شدن اخیر ده ها فعال سندیکایی در ایران جلب کنیم. تنها «جرم» آنان خواست داشتن تشکلات سندیکایی مستقل از دولت در ایران است.

رضا شهابی عضو سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نیز یکی از دستگیر شدگان است. او چندین بار از سوی سندیکاهای عضو گلکیتو سندیکایی

در آکسیون اعتراضی مقابل سازمان جهانی کار در نهم ژوئن شرکت میکنیم

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود



برای آزادی کارگران زندانی (FTN) از این طومار و خواستهای معلمان حمایت میکند. خواست اخراج هیات جمهوری اسلامی از هیات مدیره آی ال او کارزار اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار را قدرت میبخشد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی همه بخشهای جامعه را به امضای طومار اعتراضی معلمان و پیشبرد این کارزار مبارزاتی فرا میخواند. فری دم ناو همچنین بر شرکت وسیع در آکسیون اعتراضی مقابل اجلاس آی ال او فراخوان میدهد. جمهوری اسلامی باید در سطح جهانی بایکوت و از آی ال او اخراج شود.

Shahla.daneshfr2@gmail.com

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

<https://free-them-now.com>

۷ خرداد ۱۴۰۱، ۲۸ مه ۲۰۲۲

ایران و آزادی تمام دستگیر شدگان، ملزم کردن جمهوری اسلامی به رعایت حقوق بنیادین کارگران و معلمان و مزدبگیران از جمله حق آزادی بیان و حق تجمع و اعتراض، اعزام هیاتی بین المللی از سوی سازمان جهانی کار و فدراسیون های بین المللی اتحادیه ای جهت بررسی شرایط نیروی کار به ایران و نشست با تشکلهای مستقل صنفی و دیدار با فعالین صنفی زندانی در ایران و خانواده های آنها، و اخراج نمایندگان دولت ساختهی ایران از هیئت مدیره سازمان جهانی کار و عدم حمایت از انتخاب مجدد آنها در این هیئت مدیره به دلیل نقض مداوم مقوله نامه های بین المللی.

تا کنون ۳ هزار نفر طومار اعتراضی معلمان را امضاء کرده اند. این طومار صدای اعتراض همه کارگران و مردم علیه سرکوبگری های حکومت و قدم مهمی در جلب همبستگی بین المللی است. کمپین

خواست فوری اعتراض به حضور حکومت اسلامی در کنفرانس آی ال او، تحریم هیات رژیم اسلامی در سازمان جهانی کار، فشار آوردن برای آزادی کارگران و معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی و اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار تاکید داریم. جمهوری اسلامی نیز باید همچون حکومت آپارتاید آفریقای جنوبی در سطح جهان بایکوت شود.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان و چند تشکل مستقل صنفی دیگر نیز طوماری خطاب به هیاتهای نمایندگی شرکتکننده در کنفرانس به ویژه نمایندگان اتحادیه های کارگری بین المللی ارسال کرده و از آنها خواسته اند که به دلیل عدم اجرای مقوله نامه های سازمان جهانی کار و نقض حقوق اولیه کارگران در ایران، حکومت اسلامی از هیأت مدیره سازمان جهانی کار کنار گذاشته شوند. معلمان در این نامه بر نکات مهمی تاکید کرده اند: رفع فوری و بی قید و شرط تمامی اتهامات منتسب شده به تمامی فعالین صنفی محبوس در

اجلاس بین المللی سازمان جهانی کار از ۲۷ ماه مه آغاز میشود. کمپین برای آزادی کارگران زندانی (فری دم ناو) همانند هر سال در مقابل این سازمان آکسیون اعتراضی برپا خواهد کرد و به حضور نمایندگان حکومت اسلامی در این اجلاس اعتراض میکند. امسال از سوی اتحادیه های کارگری فرانسوی و برخی جریانات مختلف سیاسی قرار است در ساعت ۱۱ صبح روز نهم ژوئن تجمعی علیه حضور جمهوری اسلامی مقابل اجلاس سازمان جهانی کار برگزار شود. فری دم ناو (FTN) کمپین برای آزادی کارگران زندانی در این آکسیون اعتراضی شرکت خواهد کرد. بعلاوه فری دم ناو برنامه هایی برای بازتاب صدای اعتراض کارگران و کل جامعه در سطح بین المللی را در دستور کار دارد. اکنون در مقطع تشکیل اجلاس سازمان جهانی کار و در مقطع اعتراضات گسترده مردمی در ایران و ادامه جنایات و سرکوبگریهای حکومت، ما طی نامه ای سرگشاده خطاب به اتحادیه های کارگری و نهادهای اسناددوست در سطح بین المللی بر سه

تعلل در اعلام رسمی افزایش حقوق بازنشستگان کارگری به چه معناست؟!؟

افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی به دولت چه ربطی دارد؟!؟

بازنشستگان خواهد بود. این تعلل و تعویق در اعلام رسمی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی و عدم محاسبات کامل موقوفات همسانسازی را ترفند و توطئه برای دستکاری و کاهش مصوبات اعلام شده میدانیم و نسبت به تحرکات صاحبان نفوذ و قدرت در تعرض بیشتر به زندگی بازنشستگان هشدار میدهیم. ما بازنشستگان تامین اجتماعی امضای دولت پای مصوبه پیشنهادی افزایش حقوق مان را غیر ضروری و باطل میدانیم. به دولت ربطی ندارد.

چنین حق ناروا و بی مناسبت باید از دولت بدهکار صندوق بازنس گرفته شود و بعنوان ابر بدهکار به سازمان تامین اجتماعی، علیه آن کیفرخواست صادر گردد. پایتان را از گلوی بازنشستگان بر دارید. شورای بازنشستگان ایران برگرفته از مدیای اجتماعی

وظیفه داشتند سهم ۳٪ خود را به صندوق سازمان پرداخت کنند اما تا کنون از این قانون تخطی کرده اند و بدهی ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی به صندوق دارند، به چه حقی به خود اجازه میدهند که برای مستمری بازنشستگان تصمیم بگیرند. وضعیت بسیار تاسف آور بازنشستگان کارگری و اعتراضات مکرر و مستمر در یکشنبه های هر هفته آنان بر کسی پوشیده نیست. از طرفی هجوم دلهره آور گرانی با افزایش بیسابقه قیمت های اقلام ضروری، موجی از دغدغه و تشویش را در سطح عمومی گسترده است.

تاخیر در افزایش مستمریها به میزانی که در شورای عالی مزد مصوب کرده اند علیرغم اینکه جوابگوی چنین وضعیتی از گرانی های کمرشکن نیست، آشکارا زیر پا گذاشتن قوانین و مصوبات خود و باعث اعتراضات گسترده تر و خشمگین تر

کسر ماهیانه یکسوم از حقوق کارگران است و همواره منبعی برای دست اندازی دولت های مختلف بوده چرا دولت باید در افزایش حقوق بازنشستگان آن مداخله و اخلاص کند.

چرا هیئت دولت افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی را امضاء نمیکند؟! این دست دست کردن در اعلام افزایش حقوق بازنشستگان کارگری در حالیکه حرف و حدیث هائی در زیر پا گذاشتن مصوبه شورای عالی مزد و مواد ۹۶ و ۱۱۱ قانون تامین اجتماعی بگوش میرسد، به چه معناست؟!؟

اساساً دولت هائی که طبق قانون

دو ماه از اعلام حداقل دستمزد کارگران ایران برای سال ۱۴۰۱ می گذرد. طبق روال هر سال هیئت مدیره و مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی، عطف به افزایش دستمزد در شورای عالی کار و طبق مواد ۹۶ و ۱۱۱ قانون تامین اجتماعی افزایش مستمری بازنشستگان را به هیئت دولت ارائه میدهد و مطابق عرف عیناً بدون مانع امضا میگردد.

اما امسال از ۷ اردیبهشت که افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی به همین روال به هیئت دولت ارسال شده، خبری از تصویب آن نیست. سازمان بیمه گر بزرگی که حاصل

بنایه سندیکای واحد در محکومیت سناریوی سازی های امنیتی

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی، پرستاران، و معلمان در تهران و یک خبر دیگر

سندیکای کارگران شرکت واحد سناریوسازی های وزارت اطلاعات علیه اعضای این سندیکا و کانون صنفی معلمان و دیگر فعالین را قویا محکوم میکند.

با بحرانی تر شدن وضعیت اقتصادی کشور و افزایش بی رویه قیمت ها و اسفبارتر شدن وضعیت معیشتی مردم، مخصوص کارگران، مزدبگیران نه تنها شاهد شدت گرفتن اعتراضات اقشار مختلف مردم اعم از کارگران و بازنشستگان و معلمان هستیم، بلکه این اعتراضات گسترده تر و سراسری هم شده است.

بنابر همین شرایط، فشار سرکوب هم بیشتر شده است و اعتراضات نیز بطور مستمر افزایش یافته است.

مسئولین حکومتی و دولتی هم به دلیل ناکارآمدی و بی تدبیری و اقتصاد رانتی هیچ برنامه و راهکاری برای برون رفت از این معضل لاینحل ندارند.

میتوان به اعتراضات اخیر مردم در شهرهای مختلف کشور بخصوص در حاشیه شهرها و اعتصاب اخیر (۲۶ اردیبهشت) رانندگان شرکت واحد اشاره کرد.

از آنجایی که وزارت اطلاعات در مبارزه با فساد و جلوگیری از رانت حکومتی بسیار ناتوان است، یکبار دیگر دست به ساخت سریال ها و سناریوهای تکراری و نخ نمایی زده که قبل از این هم برای همگان روشن بوده و هست. با ساخت این کلیپ ها در صدا و سیما بی مخاطب، قصد نشان دادن اقتدار و ایجاد رعب و وحشت برای ساکت کردن فعالین و معترضین، با بالا بردن هزینه اعتراض برای مردم را دارد.

در مورد سندیکای کارگران شرکت واحد باید بگوییم فقط در مورد همین سه عضو سندیکا رضا شهابی و داوود رضوی و حسن سعیدی که تاکنون در دو کلیپ ساختگی از سوی وزارت اطلاعات اتهامات جاسوسی به آنها زده شده، باید بگوییم در حال حاضر این سه عضو سندیکا وکالت محضری ۱۲۰ راننده زحمت کش شرکت واحد را بطور قانونی در اختیار دارند که با همکاری وکلای

شناخته شده، امیر رئیسین و حسین تاج تا کتون توانسته اند رئیس هیئت مدیره تعاونی مسکن شرکت واحد که منصوب حاصل رانت قالیباف است به همراه تعدادی از اعضای تعاونی مسکن که حاصل دسترنج کارگران را بلعیده اند، بعد از یک سال پیگیری مستمر به داسرا بکشاند و مجبورشان کنند در بازپرسی پاسخگو باشند. که همچنان پرونده در داسرا مفتوح میباشد.

البته میتوان گفت یکی از دلایل این پرونده سازی ها و سناریوهای جدید برای سه تن از اعضای سندیکای شرکت واحد داشتن حق وکالت از ۱۲۰ رانندگان مالباخته شرکت واحد است تا بلکه بازداشت این نمایندگان سندیکایی فرصت بیشتری برای مال اندوزی مدیران تعاونی مسکن را فراهم کند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اعلام میدارد، مبارزات کارگران و معلمان و بازنشستگان و اعتراضات فرودستان، متکی به اشخاص و افراد نیست که با پرونده سازی و دستگیری تعدادی از چهره های شناخته شده این تشکل ها بشود اعتراضات کارگران و معلمان و بازنشستگان و جنبش های اعتراضی مردمی را سرکوب کرد، چرا که در چندسال گذشته بیشترین فشار سرکوب، تهدید و اذیت و آزار نسبت به فعالین کارگری و معلمان و بازنشستگان، نویسندگان، دانشجویان و روزنامه نگاران و از سوی عوامل امنیتی و سیستم قضایی صورت گرفته و همچنان شاهد گسترش اعتراضات و افزایش نارضایتی های عمومی در اکثر شهرهای کشور هستیم. سندیکای کارگران شرکت واحد بازداشت و پرونده سازی برای اعضای این سندیکا و فعالان کانون صنفی معلمان را شدیداً محکوم میکند و خواستار آزادی تمامی بازداشت شدگان اخیر همچنین رضا شهابی و حسن سعیدی و دیگر فعالین دربند میباشد.

چاره زحمت کشان وحدت و تشکیلات سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه (برگرفته از مدیای اجتماعی

- روز ۸ خرداد بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی در اعتراض به سطح نازل حقوقها و وضع بد معیشتی شان در شهرهای تبریز، اهواز، کرمانشاه، قزوین، شوش و مشهد تجمع کردند. در مشهد بازنشستگان با در دست داشتن بنری که بر روی آن نوشته شده بود "گرانی تورم بالای جان مردم" و با سر دادن شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند. اعتراض بازنشستگان به سونامی گرانی و وخامت هر روز بیشتر وضع زندگی و معیشتشان است و این موضوع اعتراض همه مردم است. همانند مورد کارگران پیمانی در بخش های مختلف شهرداری و در نفت، در مورد بازنشستگان نیز مصوبه شورای عالی کار حکومت در خصوص میزان افزایش حداقل دستمزدها که خود دستمزدی چند بار زیر خط است، اجرایی نشده است. تعیین مزد بر مبنای هزینه های واقعی زندگی و متناسب با هزینه واقعی سید معیشت خانوار و افزایش آن طبق تورم واقعی، بیمه درمانی کارآمد و رایگان، پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی و برگرداندن پولهای به سرقت رفته به این صندوق، و آزادی اسماعیل گرمی و دیگر زندانیان سیاسی از جمله خواستهای اعلام شده بازنشستگان تامین اجتماعی در قطعنامه هایشان است.

- روز ۸ خرداد پرستاران شاغل در سازمان تامین اجتماعی در تهران در مقابل این سازمان در اعتراض به گرانی ها و وضع بد معیشتی و شرایط نامناسب کار و عدم اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور در قبال آنها تجمع داشتند. از جمله خواسته های این معترضان بازنشستگی بر اساس بخشنامه های «تجمیع و تقیيع» و بازنشستگی با سابقه کاری ۲۵ سال به علت سختی کار است.

- روز ۷ خرداد تعدادی از معلمان در تهران با تجمع مقابل وزارت آموزش و پرورش خواستار تغییراتی در بخشنامه نقل و انتقال فرهنگیان شدند. به گفته معلمان قرار بر این بوده که آن دسته از معلمان که ۳ سال نقل و انتقال موقت داشتند، می توانستند درخواست انتقال دائم دهند و در همان استان درخواستی، حضور دائم داشته باشند. اما این امکان چند سال است وجود ندارد و این موضوع وضع معیشتی آنها را دچار مشکل کرده است.

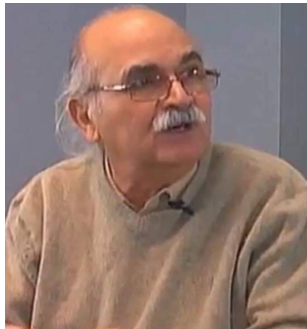
-- روز ۸ خرداد کارگران و کارکنان راه آهن زاگرس بدلیل دریافت نکردن حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب زدند. در همین رابطه در هفته گذشته کارگران راه آهن در لرستان نیز دست دست به اعتصاب و تجمع زدند.

اعتراضات بازنشستگان، معلمان، کارگران و بخش های مختلف جامعه و اعتراضات مردمی در کف خیابان بیان درد مشترک کل جامعه علیه فقر و فلاکت و بساط چپاولگری حاکم است. اتحاد جنبش های مختلف اجتماعی و رفتن به سوی اعتصاب عمومی و سراسری یک حلقه مهم در قدرتگیری و تداوم مبارزات مردمی و اعتراضات در کف خیابان است.

حزب کمونیست کارگری ایران
خرداد ۱۴۰۱، ۲۹ مه ۲۰۲۲

تجمعات معلمان در مریوان در همبستگی با همکاران زندانی: روز هفتم خرداد ماه معلمان در مریوان خانواده های شعبان محمدی، اسکندر لطفی و مسعود نیک خواه سه همکار زندانی خود را در مراجعه به دادگستری این شهر همراهی کردند. این معلمان در نهم خرداد نیز در اعتراض به تمدید حکم بازداشت همکاران خود توسط بازپرس شعبه اول و موافقت دادستان مریوان مقابل دادگاه این شهر تجمع کردند.





خواهد داشت.

خلیل کیوان: چه رابطه ای بین وضعیت اقتصادی در ایران با سیاست جراحی اقتصادی و کلا با ریاضتکشی اقتصادی می بینید؟

حمید تقوایی: جراحی اقتصادی یک اقدام ضربتی است برای پیاده کردن تمام و کمال ریاضت کشی اقتصادی. اما ریاضت کشی اقتصادی در جمهوری اسلامی با دولت رئیسی و سیاست جراحی اقتصادی شروع نمیشود. دستمزدهای یک پنجم خط فقر و پیمانکاری و مقاطعه کاری و مناطق ویژه اقتصادی و قراردادهای موقت و سفید امضا و ممانعت از تشکیل هر نوع تشکل حتی صنفی کارگران و غیره همه اجزای مختلف ریاضتکشی اقتصادی است. حکومت از بدو روی کار آمدنش همین سیاستها را به پیش برده است. ریاضتکشی جزئی از نسخه اقتصادی نئولیبرالیسم است اما جمهوری اسلامی برای تسمه کشیدن از گرده طبقه کارگر مکتب و نظریه اقتصادی ای لازم ندارد. میتوان گفت جمهوری اسلامی بخاطر اسلامیت و نحوه شکل گرفتنش ماهیتا طرفدار ریاضت کشی اقتصادی است.

بعد از انقلاب ۵۷ خواه ناخواه بسیاری از کارخانه ها، صنایع و معادن و کلا رشته های مختلف اقتصادی در دست حکومت قرار گرفت و بعد سپاه پاسداران و بسیج و مراکز حکومتی نظیر بیت رهبری، آستان قدس رضوی و دفتر اجرایی فرمان امام کاملاً بر بخش اعظم منابع و صنایع و رشته های تولیدی مسلط شد.

این مراکز از مکتب یا نظریه سیاسی خاصی پیروی نمی کنند. میتوان گفت چپاول و ثروت اندوزی هر چه بیشتر با اتکا به رانت و قدرت دولتی و کنترل در

دست بکشند در واقع هویت خود را انکار کرده اند. من قبلاً هم این مثال را زده ام که کنار گذاشتن غربستیزی و ضدآمریکائیگری برای حکومت مانند آنست که هیتلر یکروز اعلام میکرد یهودی ها هم آدم های زیاد بدی نیستند و همه با هم برابر هستیم! خوب اگر این موضع را میگردت تیشه به ریشه حکومت فاشیستی خودش زده بود. جمهوری اسلامی هم یک چنین حالتی پیدا کرده است. یک رژیم فاشیسم اسلامی است، که اساسش ضدیت با غرب است، ضدیت نه تنها با حکومتها بلکه حتی با تمدن غربی، با فرهنگ غربی و علوم اجتماعی که ریشه در فرهنگ غربی دارد.

حتی در مقابل علم پزشکی، پزشکی باصطلاح سنتی و اسلامی را علم کرده اند! حکومت حول این ضدیت با غرب و باید گفت با جهان متمدن، ساختار پیدا کرده است و حول همین به خودش سازمان داده است. کنار گذاشتن این سیاست به معنی نفی خود است و ادامه آن به معنی ادامه بن بست و فروپاشی اقتصادی. این پارادوکسی است که مدتهاست رژیم با آن روبرو است.

در مورد برجام پرسیدید. ابتدا باید بگویم که نفس برجام ریشه در همین غربستیزی دارد. برجام اساساً توافقنامه ای است برای کنترل پروژه هسته ای جمهوری اسلامی. حکومت این پروژه را لازم دارد تا در برابر کمپ غرب یک برگ برنده داشته باشد و بتواند خودش را سرپا نگهدارد. دقیقاً مانند کره شمالی. برجام از اینجا شروع شد و امروز هم بحث دخالتگری های حکومت در منطقه و تحریم سپاه پاسداران روی میز است. همه اینها مسائلی سیاسی است و نه اقتصادی.

نکته دیگر اینکه حتی آن دوره ای که برجام برقرار بود بحران اقتصادی حکومت نه تنها تخفیف پیدا نکرد بلکه شدت هم پیدا کرد به نحوی که به خیزش ۹۶ منجر شد. این هم نشان میدهد که توقف برجام یا تحریمهای اقتصادی ریشه مساله نیست. همانطور که اشاره شد اقتصاد درهم ریخته عارضه استراتژی و جهتگیری سیاسی ضد غربی حکومت است و لذا تا زمانی که جمهوری اسلامی در قدرت است بحران اقتصادی نیز ادامه

جراحی اقتصادی و ورشکریهای اقتصاد ایران

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با کاتال جدید

شان را به نحوی علاج کنند و یا لاقط تخفیف بدهند. تفاوت جمهوری اسلامی با دیگر کشورهایی که همین سیاست را پیش برده اند اینست که با اقتصاد ورشکسته و به آخر خط رسیده ای مواجه است. جراحی اقتصادی در واقع آخرین ترقلاهای حکومتی است که نه از نظر اقتصادی و نه سیاسی هیچ چشم انداز و راه خلاصی از بحران همه جانبه و مزمنی که با آن دست بگریبان است ندارد.

خلیل کیوان: حزب کمونیست کارگری ایران بارها تاکید کرده است که ریشه بحران اقتصادی حکومت سیاسی است. در شرایط امروز ایران معنی این چه هست؟ آیا ناکامی برجام و کلا بن بست اقتصادی حکومت به این دلیل میتواند باشد؟

حمید تقوایی: ما همیشه معتقد بوده ایم که در ایران شرایط سیاسی باعث این بحران اقتصادی شده و به یک معنا ریشه این مساله در خود اقتصاد نیست. این وضع نابسامان بحرانزده و امروز باید گفت ورشکستگی اقتصادی در جمهوری اسلامی ناشی از سیاستهای دراز مدت و سیاستهای استراتژیک و هویتی حکومت است. جمهوری اسلامی در همان قدم اول که بقدرت رسید با مرگ با آمریکا و غرب ستیزی خودش را تعریف کرد و بر این مبنای به خودش سازمان داد، در معادلات منطقه ای و کلا در جنبش اسلام سیاسی و تروریسم در جهان نقش کلیدی بازی کرد، و هر روز بیشتر به قطب روسیه و چین نزدیک شد و در برابر کل غرب قرار گرفت. این وضعیت باعث شده است که اولاً اقتصاد ایران در بازار جهانی جانی نداشته باشد و منزوی بماند و ثانیاً از ثبات سیاسی لازم برای کارکرد سرمایه ها حتی در کوتاه مدت برخوردار نباشد. برجام و یا بدون برجام حکومت توانست و نمی تواند سر و سامانی به وضعیت اقتصادی خود بدهد چون همه موجودیت و استراتژی سیاسی اش بر غرب ستیزی بنا شده است. اگر بخواهند از غرب ستیزی

خلیل کیوان: چشم انداز اقتصاد ایران روز به روز تیره تر میشود. بیش از چهار دهه است که دولتهای مختلف آمدند و رفتند اما حکومت نتوانست بر بحران اقتصادی خودش فائق شود. امروز فقر و فلاکت اکثریت عظیمی از مردم ایران را زیر فشار گذاشته است. در این شرایط دولت رئیسی با سیاست جراحی اقتصادی تصمیم گرفته فقر و فلاکت بیشتری را به مردم تحمیل کند. آیا این سیاست مبتنی بر نئولیبرالیسم است؟ ویژگی های اقتصادی ایران چه هست و چه تفاوتی با مدل های اقتصادی شناخته شده در دنیا دارد؟ آیا اساساً حکومت جمهوری اسلامی میتواند بر بحران اقتصادی خودش غلبه کند؟ تقابل حکومت و مردم که با گرانی های بیشتر به اوج خودش رسیده به کجا می کشد؟ این پرسش ها را با حمید تقوایی در میان میگذاریم.

حمید تقوایی: منظور از جراحی اقتصادی که این روزها حکومتی ها و بقیه مطرح میکنند چه هست و چرا امروز این موضوع مطرح و با این شدت دنبال میشود؟

حمید تقوایی: اصطلاح جراحی اقتصادی ساخته حکومت رئیسی یا اقتصاد ایران نیست. این یک اصطلاح جهانی است و منظور هم همه جا اقدامات ضربتی و شدید اقتصادی است به نفع صاحبان سرمایه و علیه کارگران و علیه توده مردم. اقداماتی نظیر باز گذاشتن دست بخش خصوصی در تعیین شرایط کار و بهره کشی افسارگسیخته از کارگران، زدن از خدمات رفاهی، تشدید ریاضتکشی اقتصادی و سپردن همه چیز به قوانین بازار. به آن جراحی اقتصادی میگویند چون برای جامعه و برای مردم دردآور است و معمولاً با تکانها و اعتراضات و حتی شرایط بحرانی برای حکومت ها همراه است.

در شرایط امروز ایران جراحی اقتصادی تلاشی است از جانب حکومت برای اینکه بحران مزمن اقتصادی و در واقع ورشکستگی و فروپاشی اقتصادی

جراحی اقتصادی و ویژگیهای اقتصاد ایران...

انحصار گرفتن همه فعالیتهای اقتصادی و از سوی دیگر تحمیل بیشترین بی حقوقی ها و فقر و فلاکت به کارگران سیاست ذاتی این مراکز است. این مراکز ذاتا طرفدار ریاضت کشی اقتصادی هستند چون از این طریق سودهای نجومی به جیب میزنند. از سوی دیگر با ارگانهای سرکوبی که در اختیار دارند جلوی اعتراض طبقه کارگر را میگیرند و اجازه نمیدهند که متشکل شود و حتی قرار دادهای دسته جمعی ببندد. بعبارت دیگر آنچه در دنیا ریاضت کشی اقتصادی نامیده میشود در ایران جزئی از سیستم خود حکومت است.

ولی اگر سیاست ریاضتکشی اقتصادی در شورائی به یک سیستم اقتصادی متعارف و با ثبات تبدیل شده در جمهوری اسلامی چنین وضعیتی ندارد. همانطور که توضیح دادم غربستیزی حکومت چنین اجازه ای نمیدهد. اگر مثلا در شیلی بعد از کودتا پینوشه همین سیاست ریاضتکشی را پیاده کردند و توانستند بالاخره شیلی را بطرف سرمایه داری تمام و کمال بازار آزاد ببرند، در ایران این اتفاق نمی افتد بخاطر اینکه جمهوری اسلامی بر خلاف حکومت پینوشه هویی ضد غربی دارد و بهمین دلیل از بازار جهانی منزوی است. در یک جمله میتوان گفت اقتصاد ایران بخاطر دلایل سیاسی بحرارزده است ولی تا آنجایی که به ریاضتکشی اقتصادی مربوط میشود از روز اول سیاست حکومت همین بوده است.

خلیل کیوان: پنج سال قبل در سال ۲۰۱۷ میلادی شما در یک گفتگو با تلویزیون کانال جدید که بعدا متن کتبی آن منتشر شد اقتصاد ایران را نظام دزدسالار نامیدید. این به چه معنی است و چه تاثیری در بن بست اقتصادی حکومت دارد؟

حمید تقوایی: امروز فساد اقتصادی را همه دارند می بینند و حتی بخشهایی از خود حکومت معترفند که سیستم شان فاسد است. مساله این است که در ایران این فساد یک عارضه نظام نیست بلکه جزء نهادینه شده در خود نظام است.

از صفحه ۱۶

بدون این فساد جمهوری اسلامی امرش نمیکرد. در کشورهای سرمایه داری همه جا فساد هست و هر از چندی پرونده ای رو میشود و کسی را محاکمه میکنند و چرخ اقتصاد هم میگردد. اما در ایران اگر مفسدین اقتصادی را بگیرند، کلا رشته های تولیدی، صادرات و واردات و خدمات و همه رشته های اقتصادی میخوابد. فساد در ایران تنها بخاطر این نیست که فلان آیت الله یا فلان سرمایه دار دزد و فاسد است. درست است که همه مقامات از بالا تا پایین دارند میخورند و میچاپند ولی فساد حاکم جنبه اخلاقی و شخصی ندارد. سیستمی بر این مبنا شکل گرفته که فساد جزء لاینجزای آنست. خصوصیات این سیستم را قبلا در مقاله ای که اشاره کردید توضیح داده ام (خواننده علاقمند میتواند به مقاله سرمایه داری بحرارزده و کلتوکراسی اسلامی در ایران رجوع کند). بطور خلاصه خصوصیات این دزدسالاری چنین است:

یک رکن اقتصاد جمهوری اسلامی رانتخواری است. رانت خواری نه به معنی پارتی بازی که در هر کشور سرمایه داری وجود دارد، بلکه بعنوان یک جزئی از سیستم که تمام سرمایه گذارها و مالکیت بر معادن و بر کارخانه ها و بر رشته های تولیدی و واردات و صادرات و غیره بر اساس رابطه ویژه ای است که شرکتها و بانکها و کارفرمایان و پیمانکاران با حکومت یا بعبارت دقیقتر با بیت رهبری و سپاه و بسیج دارند. بازار قاچاق و بازار سپاه جزء نهادینه اقتصاد ایران است و در دست خود حکومت است. همه مزایده ها و مناقصه ها و قراردادهای اقتصادی نه در بازار آزاد بلکه در میان باندهای مختلف حکومتی و آقازاده ها و وابستگانشان منعقد و دست بدست میشود. ارز چند نرخی که یک منبع درآمد عظیم برای بخشی از شرکتها و باندهای مافیای اقتصادی است یک جزء دیگر این سیستم است. بر متن این شرایط است که چپاول معادن و منابع ثروت جامعه و جنگل خواری و زمین خواری و آب خواری و ارتشا فراگیر و دزدیهای میلیاردری مقامات و آیت الله ها و سران سپاه و بسیج و آقازاده

هایشان صورت میگیرد. اینها همه از ارکان اقتصاد سرمایه داری در جمهوری اسلامی هستند. منظور از دزدسالاری اسلامی چنین سیستمی است. یعنی سرمایه داری مبتنی بر عوامل و محورهای که هر یک در یک اقتصاد متعارف سرمایه داری مصداق فساد و عارضه سیستم محسوب میشود.

خلیل کیوان: برخی معتقد هستند که ریشه مشکل اقتصادی در ایران سیاستهای نتولیرالیستی حکومت در ایران است؟ آیا اینطور است؟ شما در این مورد چه فکر میکنید؟

حمید تقوایی: بنظر من سیستم اقتصادی در ایران نتولیرالیستی نیست. همانطور که توضیح دادم ریاضتکشی اقتصادی سیاست همیشگی حکومت بوده است ولی نتولیرالیسم و یا اقتصاد مبتنی بر فریدمنیسم و مکتب شیکاگو، ابعاد و ارکانی دارد که در مورد اقتصاد جمهوری اسلامی صدق نمیکند. میدانیم که خصوصی سازی و سپردن همه چیز به بخش خصوصی یک پایه اصلی نتولیرالیسم است. نتولیرالیسم معتقد است که دولت باید حداقل دخالت را در اقتصاد داشته باشد. در جمهوری اسلامی برعکس، بخش اعظم اقتصاد، مراکز تولیدی و سرمایه ها و سرمایه گذارها و تصمیمات اقتصادی، در مالکیت و تحت سلطه سپاه و بسیج و بیت امام اداره میشود. یعنی ارگانهای حکومتی بخش اعظم سرمایه ها و منابع ثروت را تحت مالکیت و کنترل خود دارند. از سوی دیگر این نهادهای حکومتی از دولت مستقل اند، خودشان تصمیم میگیرند و حتی فرودگاه و بنادر خصوص ی خودشان را دارند، از گزارش دادن به دولت و پرداخت مالیات معاف هستند و غیره. بازار قاچاق و بازار سپاه نیز دولتی نیست ولی در راس اش باندهای دولتی قرار دارند. مالکیت بسیاری از معادن و جنگلها و زمین و غیره هم دولتی نیست ولی در اختیار باندهای حکومتی است. به این اعتبار سیستم اقتصادی در جمهوری اسلامی نه دولتی است و نه خصوصی و هم دولتی است و هم خصوصی. این امر چنان عیان و برجسته است که خود حکومتی ها اقتصاد ایران را خصولتی مینامند. این سیستم شباهت

چندانی به نتولیرالیسم که معتقدست که همه چیز باید در دست بخش خصوصی باشد و قوانین بازار آزاد باید همه چیز را تعیین کند ندارد.

خلیل کیوان: راه خروج از بحران اقتصادی ایران چیست؟ آیا میتوان تصور کرد که با وجود جمهوری اسلامی این بحران حل بشود؟ بخشهای دیگر سرمایه داری ایران، نیروهای اپوزیسیون بورژوائی حکومت، در صورت بقدرت رسیدن میتوانند راه حلی برای این اقتصاد داشته باشند؟

حمید تقوایی: جواب هر دو بخش سئوالتان منفی است. اولاً تا وقتی که جمهوری اسلامی حاکم است راه حلی متصور نیست. پایه این وضعیت بحران اقتصادی، سیاسی است و در نتیجه راه حلش هم سیاسی است. راه حلش سرنگونی جمهوری اسلامی است. کارگران و توده مردم، ۹۹ درصدی هایی که از این شرایط جانشان به لب رسیده است باید بلند بشوند و حکومت را بزیر بکشند. هم مساله سیاسی است و هم راه حلش سیاسی است.

ثانیا پاسخ این سئوال که آیا کلا سرمایه داری ایران میتواند جوابی برای بحران اقتصادی، حال با و یا بدون حکومت اسلامی، داشته باشد، نیز منفی است.

همین امروز تمام کارشناسان اقتصادی، اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی، همه دولتها، و نهادهای اقتصادی بین المللی پیرو فریدمنیسم و نتولیرالیسم هستند و سیاستها بانک جهانی را توصیه میکنند. همه در واقع مدافع ریاضتکشی اقتصادی هستند و معتقدند گرچه برای مردم سخت و دشوار است اما راه شکوفائی اقتصادی همین است. همه متفق القولند که بارانه ها باید قطع شود، سوبسیدها باید قطع بشود، بازار نرخ ارز را تعیین کند و غیره. به همین دلیل است که انتقاد اینها به جراحی اقتصادی رئیسی مضمون و محتوای این سیاست نیست بلکه انتقادشان حداکثر این است که کابینه رئیسی جریزه اش را ندارد و سواد و تخصص این کار را ندارد و غیره. بعبارت دیگر جراحی اقتصادی را همه قبول دارند ولی دولت رئیسی و کل حکومت را قادر



اعلام، همبستگی کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اسپانیا با فعالین کارگری، معلمان، و مدافعان حقوق شهروندی در ایران

بزرگترین کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اسپانیا موسوم به کمیسیون‌های کارگران با بیش از یک میلیون عضو با انتشار بیانیه‌ای همبستگی خود را با معلمان و کارگران و فعالین بازداشت شده در روزهای اخیر در ایران اعلام کرد: در این بیانیه به تاریخ ۶ خرداد ۱۴۰۱ آمده است:

کمیسیون‌های کارگری خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط فعالان کارگری و معلمان زندانی در ایران در روزهای اخیر شد.

مبارزات طبقه کارگر در ایران برای زندگی انسانی، حق آزادی بیان و دستیابی به ابتدایی‌ترین حقوق پامال شده، نه تنها در طول همه‌گیری کووید-۱۹ کاهش نیافته است، بلکه ابعاد گسترده تری پیدا کرده است. اعتراضات سراسری معلمان برای حق آموزش عمومی رایگان و حق تشکل، دستمزد بالای خط فقر و آزادی معلمان زندانی در سراسر کشور با حمایت دانش‌آموزان و کل جامعه هرگز متوقف نشده است.

اما در روزهای اخیر موج دستگیری فعالان سندیکایی، معلمان، مدافعان حقوق شهروندی و هنرمندان افزایش یافته است. با وجود سرکوب گسترده، دستگیری‌های متعدد و گزارش‌هایی مبنی بر کشته شدن تعدادی از مردم به دست

پلیس و نیروهای امنیتی، اعتراضات سراسری در ایران توسط کارگران و ستم‌دیدگان، علیه تورم ویرانگر، فساد، غارت اموال عمومی، بی‌عدالتی‌های لجام گسیخته و نقض ابتدایی‌ترین حقوق انسانی در ایران در جریان است.

مقامات اطلاعاتی، قضایی و اجرایی حکومت که قادر به پاسخگویی انسانی و مسئولانه به مطالبات عادلانه طبقه کارگر و مردم محروم و تحت ستم ایران نیستند، به طور فزاینده‌ای به دنبال راه حل‌های همیشگی خود یعنی سرکوب، تعقیب، بازداشت، جعل، پرونده‌سازی اتهامات نخ‌نمای امنیت ملی، نشر و پخش اکاذیب، شایعات نادرست و بی‌اساس علیه کارگران و معلمان بازداشتی متوسل شده‌اند.

به همه این دلایل، ما به بیانیه‌های متعدد همبستگی بین‌المللی در کشورهای مختلف جهان با جنبش مستقل کارگری ایران و با تمام اقشار طبقه کارگر ایران می‌پیوندیم و اتهامات و توهین‌ها علیه اعضای اتحادیه‌های بخش‌های مختلف طبقه کارگر، از جمله معلمان، را محکوم می‌کنیم.

ما خواستار آزادی فوری تمامی فعالان صنفی و معلمان بازداشت شده در روزهای اخیر از جمله رضا شهابی، آیشا اسداللهی، ریحانه انصاری نژاد، کیوانو

مهدتی، حسن سعیدی و همچنین معلمان بازداشت شده در اول ماه مه مانند رسول بداقی، جعفر ابراهیمی، اسکندر لطفی، محمد حبیبی، محسن عمرانی، شعبان محمدی، مسعود نیکخواه، محمود ملکی، رضا امانی فر، اصغر حاجب، و هادی صادق زاده می‌باشیم.

آزادی تشکل، بیان، تجمع، اعتراض، اعتصاب و همبستگی طبقاتی و بین‌المللی برخی از شناخته شده‌ترین حقوق اتحادیه‌های کارگری و رهبران آنها است. این آزادی‌های اساسی مندرج در سازمان جهانی کار و سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران لازم

طومار اعتراضی معلمان در...

خواست آزادی فوری کارگران و معلمان زندانی و به رسمیت شناختن حقوق پایه‌ای کارگران برای حق تشکل و تجمع و اعتراض و اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از هیات مدیره سازمان جهانی کار اقدامی جهانی علیه سرکوبگری‌های حکومت اسلامی و گامی مهم در جهت اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار است.

کمیسیون برای آزادی کارگران زندانی با تمام قدرت از اعتراض و خواسته‌های مندرج در

الاجرا هستند. تداوم نقض این حقوق اساسی توسط دولت ایران تنها باعث تشدید انزجار عمومی نسبت به سرکوبگران می‌شود و ما مجدداً تأکید می‌کنیم که ایران باید از مقابله‌نامه‌ها و استانداردهای بین‌المللی سازمان جهانی کار که توسط این کشور تصویب شده است، پیروی کند.

باز تکثیر از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه برگرفته از مدیای اجتماعی

از صفحه ۱۲

طومار اعتراضی معلمان خطاب به شرکت کنندگان در اجلاس سازمان جهانی کار حمایت کرده و از همه تشکلهای و بخش‌های مختلف کارگری و اجتماعی خواستار گذاشتن امضای خود در پای این طومار می‌باشد. فری دم ناو تلاش میکند صدای این اعتراض در سطح جهان باشد.

شهلا دانشفر

کمیسیون برای آزادی کارگران زندانی

<https://free-them-now.com/>

۴ خرداد ۱۴۰۱، ۲۵ مه ۲۰۲۲

نسخه جهانی سرمایه‌داری در همه کشورهاست. و در ایران این یعنی گرسنگی، یعنی فقر مطلق، یعنی همین وضعیتی که الان شاهدش هستیم حال یا با اسم اسلام و یا بدون اسم اسلام.

ازینرو باید گفت راه حل اقتصادی ایران نفی سرمایه‌داری است. راه حل سوسیالیسم است و بس. تا وقتی که شما سرمایه‌داری را دارید این وضع تحت عناوین مختلف حالا با تاج یا با عمامه و یا با هر شکل دیگری ادامه خواهد داشت. راه حل این است که جامعه برود بطرف نفی استثمار و بردگی مزدی تا بتواند به رفاه و آزادی برسد. ۲۸ مه ۲۰۲۰، ۱، تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه

دولت رفاه وجود خارجی نداشته ریاضتکشی اقتصادی یعنی فقر مطلق. در غرب اصطلاح سفت کردن کمربندها را بکار می‌برند اما کمربندهای شکمی که به پشت چسبیده را نمیتوان سفت کرد. ازینرو در کشورهایی نظیر ایران سیاست ریاضتکشی اقتصادی با تلاطمها اجتماعی همراه است و نهایتاً به شورش و خیزشهای توده‌ای و انقلاب منجر میشود. یعنی آنچه هم اکنون در ایران در حال اتفاق افتادن است. امروز جمهوری اسلامی در قدرت است و خیزش مردم به درست حکومت را نشانه گرفته است اما تا آنجا که به ریاضتکشی اقتصادی مربوط میشود این صرفاً ناشی از دزدسالاری اسلامی یا حکومت اسلامی نیست، بلکه

از صفحه ۱۷

جراحی اقتصادی و ویژگیهای اقتصاد ایران...

به این کار نمی‌بیند.

واقعیت اینست که هر دولت دیگری هم بجای جمهوری اسلامی بیاید و بخواهد سرمایه‌داری را در ایران حفظ کند ناگزیرست همین سیاستها را در پیش بگیرد. این نسخه جهانی است که صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای حکومتها می‌پیچد و اگر اینکار را نکنند اعتبار به آنها نمیدهند و به بازار مالی جهانی راهشان نمیدهند.

بنابراین تا وقتی سرمایه‌داری در ایران هست ریاضتکشی اقتصادی هم با آن هست. بورژوازی ایران نمیتواند راه دیگری

برای سود اندوزی و انباشت سرمایه داشته باشد. ریاضتکشی در کشورهای صنعتی غرب که قبلاً اساساً مبارزات طبقه کارگر باعث شده بود کارگران به نفع خود و تود مردم امتیازاتی بگیرند و دولت رفاه و خدمات اجتماعی مثل آموزش و بهداشت رایگان و بیمه بیکاری و غیره حاصل آن بود، به معنی حذف این دستاوردها است. امروز در همه کشورها حتی در کشوری مثل سوئد که نمونه دولت رفاه بود، از این دستاوردها چیزی بجای نمانده و همه چیز به بازار آزاد سپرده شده است. ولی در کشوری مثل ایران که هیچوقت این رفاه و